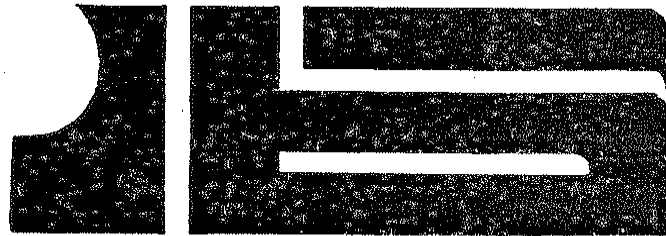


۸ تیر سالروز شهادت رفیق
حمید اشرف رهبر کبیر سازمان و
ده فدائی دیگر گرامی باد



کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

سه شنبه ۳ تیر ۱۳۵۹

سال اول - شماره ۶۴ سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ۱۲ صفحه - قیمت ۲۰ ریال

نوار آیت و اختلافات بنی صدر با سران حزب جمهوری اسلامی

اینک پس از مدتها درگیری بین دو جناح اصلی هیئات حاکمه، یعنی طیف لیبرالها به رهبری بنی صدر و حزب جمهوری اسلامی به رهبری آیت الله بهشتی، بالاخره با انتشار متن نوار سخنان آیت (بصورت پانزور شده و حذف تمام عدهای از سران حزب جمهوری اسلامی نظیر بهشتی و رفسنجانی)، برخورد های حادثه درونی هیات حاکمه رسماً بر ملا گشت.

اقدام بنی صدر در روزنامه "انقلاب اسلامی" در درجه اول بیانگر اوج درگیری و تشدید بحران در هیات حاکمه است. تعارضات بین دو جناح در طول حیات جمهوری اسلامی بسبب شدت وضعیهای مختلف جریان داشته است اما مطالعه عینی خط سیر این منازعات نشان میدهد که متناسب با اوج گیری و گسترش دامنه بحران اقتصادی و سیاسی جامعه مورد سیاستها و طبعاتی، در مجموع تضاد بین آنان نیز دچار تغییرات جدیدی شده است. هر دو گروهی ملبوس در سیار رات نوده ما، بسبب درگیریهای درونی جدید و واحدی که در هیات حاکمه رخ میداد، گروه خورده است. موضوعاتی که اکنون در کانون درگیریهای بین دو جناح قرار دارند، عبارتند از: بقیه در صفحه ۲

آقای بنی صدر و سیاستهای حاکم بر "کمیته مرکزی"

● مذاکره از موضع تسلیم طلبانه هیچ اشتراکی با مارکسیسم لنینیسم انقلابی ندارد.

آنان در مبارزه طبقاتی راه از تعداد نسبت به مارکسیسم لنینیسم انقلابی را در پیش گرفته و هر روز بیشتر در ورطه ایور تونیسیم راست و سیاست تعلق گوئی نسبت به بورژوازی در می غلطند بقیه در صفحه ۵

مارکسیسم خود متذکر در جدائی بین ما و اکثریت مردم که عامل تعیین کننده کمیته مرکزی است که

حزب توده و بخش دولتی اقتصاد

مبارزه پیگیری با ایور تونیسیم در جنبش کارگری ایران بطور اعم، و مبارزه بر علیه حزب توده این لاشه متعنی که مدتهاست به درجهای اراضحلال، گنبدیدگی و ارتداد رسیده است که مبلغ سازش طبقاتی، انکار مبارزه طبقاتی، ردهز مونی و انقلاب پرولتاریائی است، بطور اخص وظیفه ای است بردوش همه نیروهای انقلابی و مؤمن به مارکسیسم لنینیسم. بقیه در صفحه ۶

مجلس شورا و بحران هیئت حاکمه

سرانجام آخرین اقدام جمهوری اسلامی برای تثبیت نهادهای قانونی شکل نهائی بخود گرفت و مجلس شورای ملی با تصویب اعتبارنامه اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان آماده قانونگذاری میشود. در مورد انتخابات اولین مجلس شورای ملی تا حدود زیادی نیروهای مترقی و انقلابی اشتاگسری نموده اند. و بهر حال تاکنون (جمعه ۲۰/۳/۵۹ که این مقاله نوشته شده است) اعتبارنامه دو بیست نفر از نمایندگان تصویب رسیده است. آخرین جلسات رسمی و علنی مجلس همراه با جنبه گیریهای شدید نیروهای درون مجلس علیه یکدیگر بود. بقیه در صفحه ۳

سخنی با هواداران

رفقا! از هنگامیکه مبارزه، نیروهای انقلابی و دموکرات ایدئولوژیک درون سازمان را پس کردیم زمان زیادی نگذرد. دلائلی که ما را بر آن داشت تا در مقابل سنگ آوار سیاسی بورژوازی "کمیته مرکزی" فاطمانه اقدام نمائیم قلاً توضیح داده ایم. حرکت انقلابی ما در بین جریانهای سیاسی

در این شماره

- بررسی مختصر جنبش کارگری در دو سال گذشته شکل گیری نخستین نطفه های مستقل جنبش کارگری
- طرح مرحله دوم ترافیک و اعتراضاتندگان تاکسی
- سازش به سوالات اخبار کارگری
- آقای قدوسی نمایران جنبانگارا را آزاد می کند!
- هندار به هواداران

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلش

گرامی باد خاطره فدائی کبیر رفیق حمید اشرف

۱- تعیین نخست وزیر و کابینه ۲- جنگ در کردستان و مسئله مذاکره ۳- سر نوشت گروگانها که خود بیگانه مردم در مناسبات دیپلماتیک بین حکومت جمهوری اسلامی و دول امپریالیستی بدل گشته است ۴- مسأله دانشگاهها و "انقلاب فرهنگی" ۵- ارگانیزه کردن عملکردهای نظامی دولت .

بنی صدر اگر چه توطئه آیت علیه خود را محدود و بفرود آورد و بطور مہم و دوپهلوار شرکت سایر سران حزب جمهوری اسلامی سخن گفت ، اما هیچگاه خود را وارد درگیری با آنان نکرده است ، زیرا می خواهد با تهاجم و تهدید ، حریف را تنها و داریه عقب نشینی و پدیرش سیاست مورد نظر خود نماید . نوار سخنان آیت از مدتها پیش - از دوره تهاجم اخیر به جنبش انقلابی دانشجویان - در دست بنی صدر بود . اما او برای استفاده بموقع از آن منتظر فرصت مناسب بود .

از طرف دیگر در شرایط کنونی حزب جمهوری اسلامی بی صبرانه در آرزوی گشایش مجلس بود . فراقسیون حزب جمهوری اسلامی محور مقابله با بنی صدر را در مجلس تدارک می دید .

در شرایطی که مجلس میرفت تا اولین مسائل مربوطه را در دستور بحث نمایندگان بگذارد ، بنی صدر بهترین لحظه را از نظر سیاسی برای فرود آوردن ضربه انتخاب نمود . او چنین می اندیشید که بکارگیری این تاکتیک در شرایط مناسب می تواند بخش وسیعی از جناح میانی مجلس را بسمت خود سوق داده و موافقت رئیس جمهور را در مجلس بویژه در آستانه تعیین نخست وزیر و کابینه در مقابله با فراقسیون حزب جمهوری اسلامی بهبود بخشد . بدون در نظر گرفتن این ویژگی پاسخ باین سؤال که چرا بنی صدر لحظه کنونی را برای انتشار متن نوار انتخاب نموده است ممکن نیست ، این عمل برای سران حزب جمهوری اسلامی غافلگیر کننده بود . زیرا بهشتی و رفسنجانی در درمنا حبه های اخیر خود با این امر که بنی صدر برخلاف قرارهای مورد توافق عمل نموده است ادعان داشته و نسبت به آن شدیداً اظهار نگرانی نمودند .

بنی صدر تا کنون سنگرهای مستحکم حزب جمهوری را با عناوینی نظیر "دخالت افراد غیر مسئول در امور اجرائی" و نیز "وجود مراکز غیر قانونی قدرت" مورد حمله قرار داده بود . او با استفاده از موقعیت خود در مقام رئیس جمهوری یعنی بالاترین مرجع اجرائی و فرمانده کل قوای مسلح ، به مناطق تحت نفوذ این حزب بطور غیر قابل تحملی حمله کرده است ! متن سخنان آیت نشان میدهد که طرح و اجرای "انقلاب فرهنگی" از جانب "حزب" از یک نظر ضد حمله وی علیه لیبرالها بوده است . سپاه پاسداران ، کمیته ها ، جهاد سازندگی ، و انجمنهای اسلامی مورد تهدید جدی لیبرالها برهبری بنی صدر قرار داشت . او با اقدام در جهت انتخاب فرمانده سپاه پاسداران ، طرح ادعای کمیته هاد ر شهریانی ، تبلیغ و جذب هر چه بیشتر انجمنهای اسلامی ، گامهای موثری را در جهت تضعیف "حزب" برداشته بود .

حزب جمهوری اسلامی این نکته را خوب درک کرده است که موفقیت رئیس جمهور در انتخاب نخست وزیر و کابینه ضربه

نوار آیت و اختلافات

بقیه از صفحه ۱
جبران ناپذیری در جهت محدود کردن حزب خواهد بود . در مقابل بنی صدر نیز عمیقاً "در یافته بود که کشتن میدان جنگ به درون مجلس نمی تواند سودا و خاتمه یابد . اولین تاکتیک او برای تعیین نخست وزیر تا قبل از گشایش مجلس با عکس العمل شدید سران حزب جمهوری اسلامی در شورای انقلاب مواجه و شکست کشیده شد . از سوی دیگر حزب جمهوری نمی توانست برای حفظ مواضع و تسخیر مواضع جدید پوشش قانونی رسمی نداشته باشد . گشایش مجلس و برتری فراقسیون "حزب" این اجازه را به حزب میداد که در اعمال قدرت و پیشبرد سیاست مورد نظر خود بروکالت مبتنی بر انتخابات "است" تکیه کند . آنها با این فکر که بنی صدر قادر به مبارزه با آنان ، پس از تشکیل مجلس که دیگر بعنوان نمایندگان "منتخب مردم" تلقی می شوند ، نیست ، خود را برای قانونی کردن "مراکز غیر قانونی قدرت" آماده می کردند . حزب می خواهد هر چه سریعتر به حمایت توده های خود جنبه قانونی بخشد . آغاز کار مجلس قدرت "حزب" را قانونی می کند و این مسأله "تعادل قوا در جنگ بین "حزب" و رئیس جمهور ، به نفع "حزب" تغییر خواهد داد . حزب تا قبل از این (انتشار نوار متن سخنان آیت) بیشترین شانس تعیین نخست وزیر و کابینه را برای خود در نظر گرفته بود . اما اقدام آیت موقعیت و میدان جدیدی را برای رئیس جمهور در اعمال مانورهای جدید فراهم کرد . سلاحی را که آیت عملاً بدست بنی صدر سپرده بود ایک حزب را بشدت در موضع دفاعی قرار داده است . مواضع نسبتاً "متفاوت بهشتی ، رفسنجانی ، خامنه ای و روزنامه جمهوری اسلامی پیرامون سخنان آیت خود بیانگر بروز نوعی تشتت در صفوف حزب جمهوری اسلامی است . اما در مجموع تاکتیک حزب دفاع ضمنی از آیت و حمله متقابل به بنی صدر بوده است . روزنامه جمهوری اسلامی ، ارگان رسمی حزب ، در مقاله ای تحت عنوان "وبی آمده ها ... بطور جدی لیبرالها و بنی صدر را تهدید به مقابله نموده است مقاله روحانیت باروشن فکران از یک سو و مقابله با رئیس جمهور از سوی دیگر و این در حالتی است که روحانیت به موضع دفاع از دکتر آیت گشوده شود .

در این میان زمین بکر توده ها شخم خواهد خورد ، درگیری این دو جناح برده ها را کنار خواهد زد و در لحظات بحرانی پیش از پیش ماهیت آنان را برای توده ها بیش از پیش آشکار و روشن می کند . نوار سخنان آیت و نیز بطور کلی برخوردهای حزب جمهوری اسلامی و لیبرالها در مجموع نشان میدهد که در شرایط کنونی آنها علیرغم اختلافات فراوان در زمینه روشها و شیوه های کار در یک امر اساسی اشتراک نظر دارند :

استفاده قریب کارانه از مبارزات ضدا امپریالیستی توده ها جهت فرو نشاندن بحران سیستم سرمایه داری وابسته ایران در این زمینه ، روزنامه جمهوری اسلامی در مقاله ای تحت عنوان

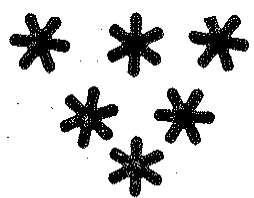
هر کارخانه را یک دانشگاه کنید" شنبه ۳ خرداد می نویسد :
"بطور خلاصه گفتیم که امپریالیسم می خواهد ، کارگران را به انحراف از خط انقلابی و ضدا امپریالیستی تولید بیشتر و راحت طلبی کمتر وادارد . امپریالیسم می خواهد که توده های میلیونی کارگران به مرور وادار به سوء استفاده های فرصت طلبانه های از انقلاب و عدول از خط مشی انقلابی خود نماید ."

(تاکیدار روزنامه)
حزب جمهوری اسلامی در همین نکته اساسی بالیبرالها اشتراک نظری یافته است که بیانگر ماهیت طبقاتی آیت :
"تولید بیشتر و راحت طلبی کمتر" آنها با این شعار که مبارزه ضدا امپریالیستی و انقلابی همانا "تولید بیشتر و راحت طلبی کمتر" است ماهیت بورژوازی سیاست خویش را عریان می سازند .

سران جمهوری اسلامی به طبقه کارگر نمی گویند که "تولید بیشتر" در سیستم سرمایه داری وابسته ایران هیچ معنایی بجز استثمار و بهره کشی طبقه کارگر به نفع سرمایه داران ، و تحکیم سلطه اجتماعی بورژوازی ندارد . در حقیقت سران حزب جمهوری اسلامی باید تئوروزی مذهبی خود پوشیده تر بسن و پیچیده ترین شکل ترمیم مناسبات موجود و دفاع از بورژوازی را در سیاستهای خویش بنمایش گذارند .

نکته قابل توجه در بیان این مطلب از سوی روزنامه جمهوری اسلامی است که روحانیت در صورت عدم دفاع از آیت به موضع غرب زدگان و لیبرالها کشته خواهد شد . " مسأله روحانیت در این موقعیت از دیدگاه دیگر نیز قابل بررسی است و آن اینکه از موضع عدم دفاع از آیت به موضع دفاع از غرب زدگان و لیبرالها کشته خواهد شد . راه بسیار باریک است و در این معرکه تنها روی آوردن به مکتب و علوم سیاسی کاری بمعنای ماکیاولیستی آن میتواند نجات دهنده باشد " (وبی آمده ها ...)

اینجا در حقیقت حزب جمهوری اسلامی به نکته قابل توجهی اشاره می کند وقتی می گوید : در گذر از موضع روحانیت به موضع لیبرالها "راه بسیار باریک است" زیرا واقعیت عملکرد سران این "حزب" ، با استفاده از ناآگاهی و توهمات توده ها در پروسه گذشته این مطلب را خوب آشکار کرده است که این جناح "سا" از موضع دفاع از بورژوازی و زمین داران حرکت کرده است و نه دفاع از منافع طبقاتی خرده بورژوازی ای که از این "حزب" پشتیبانی میکنند . سخنان آیت در رابطه با لیبرالها نیز بصحت این نظریه را تأیید می کند که تضاد محوری سران حزب جمهوری اسلامی از یک سو و لیبرالها و بنی صدر از سوی دیگر با توجه به ویژه گی های متفاوت ایدئولوژیکی و فرهنگی شان چیزی جز مبارزه برای کسب قدرت بر ترو تعیین سیاست حاکمیت و اعمال هژمونی نیست .



نبرد خلق
ارگان تئوریک - سیاسی
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
منتشر می شود

۱۳۳۳	ع	۵۰۰۰
۱۳۳۲	ف	۵۰۴۲۱
۱۰۰۸۲۳	ز	۵۰۱۴۵
۵۰۰۲	س	۱۰۰۴۱۹
۵۵۵۵	ز	۲۴۴۹
۸۳۲	س	۴۸۳۳۳
۸۱۴۷	س	۷۹۸۷
۱۰۳۶	ف - س	۵۰۱۴۷
۸۰۱۴۳	ق	۶۲۶۰۰
۷۰۲۲۳	ق	۵۰۸۲۴
۳۱۳۲	ه - ا	۱
۵۱۲۶	ه	۵۷۵
۱۳۳۸	ی	۳۱۹۵
۱۱۱۱	ی	۷۰۱۴۳
	ل	۵۰۱۴۶
	ل	۴۰۰۰۰

کمکهای مالی دریافت شده	
رفقا ! باکمکهای	
ای خود سازمان را	
در اجرای وظایف	
انقلابی اش یاری رسانید.	
کمکهای خود را با ذکر	
"کد" برای ما بفرستید و	
چنانچه پس از سه هفته	
(کد مبلغ) چاپ شد	
بما یادآوری کنید .	
امانت رسید .	
پ	ت
۶۲۴	۱۰۳۳۰
ح	الف
۲۰۱۷۸	۱۴۳۳
۱۱۷۶	۵۰۲۲۴
۶۸۲۹	۵۰۸۲۰
۵۰۴۲۰	۵۲۰
د	ب
۱۰۰۴۳۲	۱۹۹۹
۵۰۲۲۵	۶۱۴۲
۳۰۰۰	۲۰۱۱
ر	ز
۱۰۰۸۲۵	۱۹۸۷

استقلال - کار - مسکن - آزادی



مجلس شورا و ...

بقیه از صفحه ۱

در یک نگاه سطحی، مجلس نهاد های جناحی مختلفی را متولد ساخته کرد. صف بندی احزاب و جناحهای سیاسی در مجلس را میتوان فرارزیر خلاصه نمود:

۱- حزب جمهوری اسلامی و موافقین آن - این حزب که در انتخابات رئیس جمهوری نتوانسته بود پشتیبانی کامل روحانست مبارزین و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم را دست آورد و پس از امضای "علنی شراسی" در مورد خلال الدین فارسی وضعیت ضعیفی در صحنه انتخابات رئیس جمهوری پیدا کرد تا توسط جستن به یکی از نزدیکان بنی صدر یعنی حسن حبیبی، عملاً بنی صدر را که نامیدان بود، این حزب در اسبابات ریاست جمهوری با موافقین خود و محمله با پشتیبانی حزب بوده در سراسر ایران مجموعاً حدود ۶۰۰ هزار رأی بدست آورد. این حزب با در دست داشتن اهرمهای قدرت و پشتیبانی جامعه روحانست مبارزین (که البته با حذف و اعتراض بعضی از عناصر این جامعه همراه بود) همراه با انقلابات بسیار در انتخابات مجلس شورای ملی بزرگترین جناح مجلس را تشکیل داد و حدوداً نود نماینده بطور بالفعل در اطراف این حزب متشکل هستند.

۲- دفتر هماهنگی با رئیس جمهور (جناح بنی صدر) - این جناح شکل حزبی نداشته و پیرامون رئیس جمهور روزنامه اعلا ب اسلامی متشکل شده اند و گروهی از لیبرالها و تعدادی از روحانیون و خلاصه تعدادی از تکنوکراتها و بوروکراتها متشکل شده اند.

۳- جناحهای مختلف بهمت آزادی (همان) این جناح

که از سیاستمداران با سابقه تشکیل شده است و حدوداً ۱۰۰ نماینده را متشکل نموده است. بارزگان، بدالله حاجبی، بردی، چمران، وصیعیان و ... در این جناح قرار دارند.

۴- منفردین - منفردین خود به دو دسته تقسیم مسوندند: اول کسانی که علمای خود را با پشتیبانی یکی از سه جناح بالا انتخاب نموده اند و سیاستهای اساسی آنها عملاً همسو با یکی از جناحهای سرری درون مجلس می باشد مثلاً افرادی چون حسی کرمانی، دکتر سامی علیرغم تضادهای عملاً در جناح بنی صدر - دسته دوم عناصری که دارای گرایش ضد امیرالیستی بوده و عملاً "ورنه" صعیبی را در مجلس تشکیل میدهند از این دسته بندی ظاهری که بگذریم تضادهای درون مجلس همان تضادهای درون هیئت حاکمه می باشد. دو فرآکسیون بزرگ بورژوازی متوسط وابسته یعنی فرآکسیون "لیبرالها" و سران حزب جمهوری اسلامی استخوان بندی اساسی مجلس را تشکیل میدهند و دسته اول گروه چهارم (منفردین) هرگز قادر به اعمال یک سیاست مستقل "از این دو فرآکسیون نخواهند بود. این مجلس بر پایه قانون اساسی جمهوری اسلامی که قانونی ماهیتاً بورژوازیست تشکیل شده است و بنابراین بعلم متکی بودن بر قانون اساسی و پشتیبانی حاکمیت سیاسی از این مجلس، محلی برای اعمال سیاست ضد امیرالیستی از طرف عناصر خرد بورژوازی مجلس باقی نماند. گذارد. دو جناح اصلی درون مجلس در مورد تأیید اکثریت نمایندگان توافق دارند مثلاً احمد مستان با وجود اکثریت نسبی نیرومند حزب جمهوری اسلامی که رقیب سرسخت جناح بنی صدر می باشد در این ساله از عان دارد که در این مجلس "اکثریت قریب به اتفاقان انسانهای مسلمان و متعهد و مومن به انقلاب اسلامی

هستند" (روزنامه خمینی) با این بارزگان با توجه به تأییدهای مکرر حزب جمهوری اسلامی از اکثریت قاطع مجلس این نتیجه بدست میاید که هر دو جناح نسبت به اکثریت مجلس که فوایس را تصویب می کند نظر مساعد و نائید آمیز دارند و سایر این در حالیکه هر دو جناح بر سر مسئله "اکثریت" توافق دارند جای تردید نیست که تضادهای جناحهای نیرومند و اصلی درون مجلس تضادهایی از نوع تضادهای "درون طبقه ای" که بر سر کسب هژمونی در قدرت سیاسی، شیوه های اعمال حاکمیت و اشکال بازسازی

می گذاشت. مخالفت با اعتبار نامه "خسرو قشغانی" با هیاهو و مخالفت جناحهای دهنر هماهنگی، همنام و عناصری چون مدنی، خلخالی و ... قرار گرفت. این جنجال در حالی اتفاق می افتد که در مورد عدم حضور "محمد روزیان" تنها نماینده سازمان مجاهدین خلق در مجلس تقریباً همگی سکوت اختیار کرده اند و تازگی برای مردمیکه با کجکاوای حوادث مجلس را دنبال می کنند این سوال مطرح میشود که چرا عده ای با "خسرو قشغانی" مخالفت می کنند ولی مثلاً با "معین فر" که از معتمدین ساواک جهنمی بوده و

"آیت الله خمینی" با وضع مشمژ کننده ای به مدیحه سرایی و تملق گوئی پرداخت میتواند در آن زمان یک نشریه آزاد و قانونی منتشر کند و در آن بنفع رژیم شاه چیزی ننویسد.

مردم - بندر بیخ این فریبکاری را درک کرده و هر روز بیشتر درگت خواهند کرد. مخالفت احمد سلامتیان با اعتبار نامه دکتر آیت و همزمان با آن پخش نوار آیت در روزنامه انقلاب اسلامی رقابت برای تأمین هژمونی در حاکمیت سیاسی و اختلاف بر سر شیوه های مختلف اعمال حاکمیت به اضافه خرده حسابهای گذشته را به نمایش گذاشت. علیرغم این کشمکشهای درون هیئت حاکمه و علیرغم اختلافاتی که حتی بر سر اسم این مجلس (اسلامی یا ملی) وجود داشت، اعتبار نامه اکثریت قریب به اتفاق اعضای جناحهای مختلف مجلس تصویب شده است.

بدین مسئله توجه کند و می نویسد "همین مساله باعث ثبات جو سیاسی کشور خواهد گردید" (روزنامه جمهوری اسلامی فرآکسیون خط امام خواهند توانست پشتیبان خوب و قوی برای یک دولت اسلامی منبعث از امت باشد) (همانجا).

بنابر این حزب جمهوری اسلامی برای بدست آوردن مقام نخست وزیر تا حد "بسی شایسته" کشور پیش خواهد رفت. روزنامه انقلاب اسلامی این حزب را نه در خط امام (که بنظر جناح بنی صدر فرآکسیون پذیر نیست) بلکه "عوام فریب" (انقلاب اسلامی ۵۹/۲/۲۲) نامید و برای اینکه این حزب را در ذهن مردم علیه خط امام معرفی کند می نویسد "حزبی که تنها خود را در خط امام می داند چگونه به خود اجازه می دهد که بر خلاف خواست امام که در پاسخ موافق به درخواست ۳ ماده ای رئیس جمهور منعکس است اظهار نظر و عمل نماید" و در این راه تا به آنجا پیش می رود که حتی نظر امام را نیز بی مورد می خواند؟ "روزنامه انقلاب اسلامی ۵۹/۳/۸). این حمله به حزب جمهوری اسلامی بی جواب نمی ماند، روزنامه جمهوری اسلامی (در شماره ۵۹/۳/۲۲) خود در مورد بنی صدر افشاگری کرده و بزعم این حزب بنی صدر متهم به همکاری با کمونیستها (و بنظر ما همکاری با سه جهانیه سای مرتجع) یعنی گساهی نابخشوندی در جمهوری اسلامی می کند. بهر حال در مورد نخست وزیر، حزب جمهوری اسلامی معتقد است که نخست وزیر باید حزبی باشد، بنی صدر معتقد است که باید رئیس جمهور هماهنگ (یعنی از جناح هماهنگ) باشد و عده ای هم در صدد جوش دادن این دو جناح و پدید آمدن راه حل میانه هستند عده ای معتقدند که "وابسته به رئیس جمهور یا حزب نباشد" (امت ۵۹/۳/۲۱). بنظر ما فقط در صورتیکه موضع آیت الله خمینی بسود بنی صدر (آشکارا یا پنهان) باشد حزب جمهوری اسلامی موقتاً تسلیم گشته و

اگر سرنوشت عناصر مترقی و ضد امیرالیست مجلس اول پس از انقلاب مشروطه با گلوله باران مجلس توسط محمد علی شاه و پاتائید "مشروعه" طلحان، یک تراژدی بود. سرنوشت عناصر خرده بورژوازی مجلس اول پس از قیام بهمن ۵۷ چیزی در حد یک کمندی خواهد بود.

نهادهای صریح خورده سرمایه داری وابسته است. بنابراین سرنوشت کسانی که بخواهند سیاستی ضد امیرالیستی را پیش بردارند و پیش منضم اینان شاه بند و بستهای پنهانی و آشکار دو جناح نیرومند مجلس، شاهد تصویب قوانین بود سرمایه داران ایران (که تماماً وابسته اند) و علیه زحمتکشان، شاهد پشتیبانی مجلس از زمین داران و شاهد تصویب قوانین علیه

ساختارهای این اداره ضد خلقی با مشورت وی انجام میشده مخالفت نمی کنند، چرا این عده با اعتبار نامه امثال بارزگان که صادقانه سرمایه داری و ارتباط با دنیای آزاد!!! (آزاد در غارت و استعمار خلفای جهان) دم میزند مخالفت نمیشود، چرا با اعتبار نامه کسانی از قبیل حبیب الله مسگر اولادی، محی الدین انواری که با گفتن "جاوید شاه" در تلویزیون

دو فرآکسیون بزرگ بورژوازی متوسط وابسته یعنی فرآکسیون "لیبرالها" و سران حزب جمهوری اسلامی استخوان بندی اساسی مجلس را تشکیل میدهند.

در تاریخ ۱۵ بهمن ۱۳۵۵ با عفو ملوکانه از زندان آزاد شدند مخالفت نمیشود چرا این عده با اعتبار نامه فخرالدین حجازی که طی سالهای پس از کودتای سرد بیروزنامه خراسان بوده و در تحکیم پایه های رژیم وابسته پس از کودتا نقشی داشته است مخالفت نمی کند. مگر آقای فخرالدین حجازی در زمان "سرگردار شام" که ریاست ساواک خراسان بوده است، سردبیر این نشریه نبوده و مسئولیت تمام مقالات بعهدہ ایشان نبوده است. آیتا آقای فخرالدین حجازی که در جریان سخنرانی خود در حضور

آزادیهای دموکراتیک خواهند بود و تنها میتوانند اعتراض کنند، نامه بنویسند و یا احیاناً استعفا داده و گریبان خود را سازند

قبل از اینکه به سیاستهای شخص مجلس اول و چشم انداز آینده این مجلس سردازیم به مسائلی که طی تصویب اعتبار نامه نمایندگان اتفاق افتاد و معرفی چند چهره سرشناس مجلس می پردازیم.

از آنجا که اختلاف بر سر انتخاب نخست وزیر بنی صدر و حزب جمهوری اسلامی بالا گرفته بود در تصویب اعتبار نامه ها این مساله تا شریک

قبل از افتتاح مجلس بنی صدر کوشید با جلب پشتیبانی آیت الله خمینی و با اطمینان به اینکه در مجلس اکثریت را نخواهد داشت، نخست وزیر مورد اعتمادش را به حزب جمهوری اسلامی تحمیل کند ولی حزب جمهوری اسلامی علیرغم تأیید آیت الله خمینی از بنی صدر با این امر مخالفت کرد. این حزب نشان داد که وقتی تضاد بر سر تأمین هژمونی در قدرت سیاسی و بالابردن رزوه خود در قدرت سیاسی باشد با توجهی در مقابل رهبری قرار خواهد گرفت، چرا که حزب جمهوری اسلامی معتقد است: "علیرغم کوششهایی که از طرف جناحهای مخالف خط امام برای راه یابی به مجلس صورت می گرفت، طرفداران خط امام اکثریت قاطع را در این مجلس بدست آورده اند" (روزنامه جمهوری اسلامی ۵۹/۲/۲۲) بنابر این این حزب نمیتواند اجازه دهد که این اکثریت ملمبه دست جناحهای مخالف قرار گیرد و حتی بنی صدر را تهدید می کند که اگر ثبات می خواهد باید

مجلس و مساله نخست و زبیری

قبل از افتتاح مجلس بنی صدر کوشید با جلب پشتیبانی آیت الله خمینی و با اطمینان به اینکه در مجلس اکثریت را نخواهد داشت، نخست وزیر مورد اعتمادش را به حزب جمهوری اسلامی تحمیل کند ولی حزب جمهوری اسلامی علیرغم تأیید آیت الله خمینی از بنی صدر با این امر مخالفت کرد. این حزب نشان داد که وقتی تضاد بر سر تأمین هژمونی در قدرت سیاسی و بالابردن رزوه خود در قدرت سیاسی باشد با توجهی در مقابل رهبری قرار خواهد گرفت، چرا که حزب جمهوری اسلامی معتقد است: "علیرغم کوششهایی که از طرف جناحهای مخالف خط امام برای راه یابی به مجلس صورت می گرفت، طرفداران خط امام اکثریت قاطع را در این مجلس بدست آورده اند" (روزنامه جمهوری اسلامی ۵۹/۲/۲۲) بنابر این این حزب نمیتواند اجازه دهد که این اکثریت ملمبه دست جناحهای مخالف قرار گیرد و حتی بنی صدر را تهدید می کند که اگر ثبات می خواهد باید

سخنی با...

بقیه از صفحه ۱

چهره "دوستانه" و "پدرانه" خود را به "کمیته مرکزی" بیشتر نشان دهد حزب توده و توده ایها ما را "بخشکشی" میدانستند که مانع گرایش سریع سازمان به سمت آنها هستیم. آنها اکنون با خیال راحت و با چاپ و تکثیر اعلامیه ها و بیانیه های "کمیته مرکزی" در روزنامه "مردم" مراسم استقبال از "کمیته مرکزی" را از زمین بندی می کنند. حزب توده در این گونه موارد با دقت و دل بساز به میدان می آید و اگر از لحاظ ارائه شیوه انقلابی مبارزه، اخلاقی کمونیستی، صداقت پرورتری، فداکاری انقلابی چیزی در چنته خود ندارد در تمجید و شناختن از هر جریان اپورتونیستی علنی و پنهانی خود نشان میدهد. در کنار این حزب، دارو دسته مرتجع سه جهانها که در دشمنی با سوسیالیسم پیگیرند، در ارگان خود "رنجر" رسالت استقبال از هر تفرقه و هر شکاف را بدون توجه به مضمون اساسی این شکاف بعدی گرفتند و به مخدوش نمودن تضاد ما با "کمیته مرکزی" پرداختند. از این دودسته که بگذریم، اقدام ما از سوی سازمانهای مارکسیست - لنینیست، انقلابی و دمکرات اقدامی صحیح و اصولی ارزیابی شد و در بین همواداران سازمان انعکاسات متفاوت داشت (بررسی نظرات سازمانهای انقلابی مارکسیست - لنینیست در حد این مقاله نیست). دسته ای از هواداران به شیوه های غیر اصولی متوسل شدند و بعضی بحسب پیرامون نظرات طرفین و شکافتن ماهیت اختلافات موجود به جنجال و هیاهو پرداختند با هر چسبائی نظیر "آثار شیت" "ماجرای" "انحلال طلب" "چهارو" و غیره همان کلمات و جملات بی محتوای "کمیته مرکزی" را تکرار کردند. این دسته از هواداران در هر

بخش که پیرامون مسائل مبرم و حیاتی جنبش آغاز میشد سعی میکردند آنرا به سیراهه کشانند و طرف مقابل را نیز به همین سو سوق دهند مثلاً "آنها در مقابل این سوال که شما در مورد ماهیت انقلابی دولت چه میگویند ریا اینک خط مشی "کمیته مرکزی" با حزب توده چه تفاوتی دارد؟ بی جواب می ماند و چون چیزی برای گفتن نداشتند به بحث های انحرافی دامن میزدند اما آنها با این اقدام خود تنها ناتوانی شان را در تحلیل مشخص از اوضاع کنونی نشان میدادند. دسته دوم از رفقای هوا دار که نه مواضع اپورتونیستی "کمیته مرکزی" را قبول دارند و نه اقدام انقلابی ما را برایشان قابل هضم میباشد، یکبار در مقابل واقعیتی تلخ قرار گرفتند. واقعیت جدائی این رفقا که بعلمت برخوردار غیر مسئولانه، غیر رقیبانه و غیر دموکراتیک "مرکزیت" با آنها از میزان اختلافات بین ما و اپورتونیستها بی خبر بودند، نتوانستند موضع روشنی در مقابل دو جریان اتخاذ نمایند. این رفقا از یک طرف به مخالفت با کمیته مرکزی امیدوار بودند و از طرف دیگر مارا در کنار "کمیته مرکزی" به هر قیمتی می خواستند و توصیه میکردند که ما کمی کوشش کنیم. رنج سالها پراکندگی در ذهن این رفقا تمییز نادرستی از مسئله وحدت ایجاد کرده بود. ما به این رفقا توصیه میکنیم بدین مسئله که "کمیته مرکزی" آنها را به کام میرد فکر کنند. توصیه میکنیم یکبار دیگر بر سر نظرات و اعمال "کمیته مرکزی" در عرض چند ماه گذشته مروری کنند و ببینند چه بر سر جنبش آورده اند و سرانجام ما به رفقا توصیه میکنیم که از "کمیته مرکزی" بخواهند بطور صریح و روشن مواضع خود را در قبال مسائلی که ما در مورد آنها مطرح میکنیم روشن نمایند و از آنها بخواهید بیش از این به شعارهای بی محتوا و نپردازند. اطمینان داریم این دسته از رفقا در صورتیکه صادقانه با مسائل مورد اختلاف

مجلس شورا و...

بقیه از صفحه ۳

برخورد کنند به حقانیت مواضع مایی خواهند برد و خواهند فهمید که ما چیزی جز این گفته لنین نگفته ایم که "پیش از آنکه متحد شویم و برای آنکه متحد شویم ابتدا بطور قطع و صریح لازم است خط فاصل بین خود قرار دهیم". دسته سوم از رفقای هوا دار که بعلمت برخوردارند با نظرات انحرافی "کمیته مرکزی" نظراتشان با ما همسو یا منطبق بود فعلاً در مبارزه اپورتونیستیک شرکت کردند. این رفقا بدین ساله که ترویج تئوری انقلابی یک امر حیاتی است بی برده اند، اکنون وظیفه همه ماست که با مطالعه دقیق متون کلاسیک با شرکت در مبارزه طبقاتی موجود در جامعه ما و با شرکت در مبارزه اپورتونیستیک موجود و ترویج و تبلیغ نظرات انقلابی هم دانش تئوریک خود را ارتقا دهیم و هم در جهت منفرد کردن اپورتونیسم در جنبش نوین کمونیستی کوشیده و به سر و چین آید. تبدیل شویم. پرورش کادرهای مروج سازمان ده برای جنبش نوین کمونیستی ایران یک امر حیاتی است و این شدنی نیست مگر با فعالیت خستگی ناپذیر نیروهای صادق این جنبش. در مطالعه آثار کلاسیک بایدین امر توجه کنیم که هر مطالعه ای باید با هدفی انقلابی و مشخص دنبال شود، مثلاً "برای درک مفهوم مارکسیستی" "دولت و حاکمیت سیاسی" که مسئله مبرم روز میباشد میتوان آثار لنین را در این مورد قیاسی "دولت و انقلاب" در سهای انقلاب، در اطراف شعارها و چگونگی برخورد با دولت موقت، تظاهرات، و... مطالعه کرد. مطالعه بدون هدف و برنامه صرفاً بر اساس تئوری انحرافی "مطالعه برای مطالعه" نمیتواند ذهن ما را فعال کرده و دانش سیاسی ما را بالا ببرد. همچنین رفقا میتوانند با کسانی که هنوز از عمق اختلافات ما و کمیته مرکزی با خبر نیستند به بحث بپردازند و به شهرت های دور دست که رفیق بارفقای آشنائی دارند سفر کنند و با آنها در اطراف

باشد نخواهد توانست بر بحران علیه نمایان مجلس بیاورد. جهت بازسازی نهاد های ضربه خورد به بورژوازی وابسته اقدام کند و بنا بر این بطور روز افزونی در مقابل مردم قرار خواهد گرفت و چون قادر به حمل بحران سیاسی نیست به زده و نتیجه از یک طرف بران در بالائی هارا شنیدنی کند و از طرف دیگر بتدریج با موکلین خود فاصله بیشتری خواهد گرفت مقایسه نتایج انتخابات مجلس خیزگان، دور اول مجلس شورای ملی و دور دوم مجلس شورای ملی نشان دهنده فاصله گرفتن و دوری مردم از حاکمیت موجود است. توده ها نیز از حاکمیت بریده میشوند به سه دست تقسیم میشوند: دسته اول برای مدتی بسی تفاوت خواهند شد دسته دوم تمایل به دفاع از لیبرالها را پیدا خواهند کرد دسته سوم فعالان بسوی نیروهای انقلابی و کمونیست پوی میاورند. این پروسه هم اکنون نیز در جامعه ما در حال شکل گیری است. بقیه در صفحه ۵

مسائل مبرم جنبش به بحث بپردازند، و در توزیع "کار" فعالانه بکوشند، مقالاتی از "کار" را که بنامه شرایطی که در آن قرار دارند ماستر تشخیص میدهند تکثیر و توزیع نموده و با آنها خط درست بر سر ماعرب نصب که مد وظیفه همگی ماست که با اخلاق انقلابی و شکمبای پرولتری با اپورتونیستها برخورد کنیم و به رفقای دسته دوم کمک کنیم تا به عمق انحراف "کمیته مرکزی" بی ببرند و با دقت تمام بکوشیم تا بدنیال بر خورد های انحرافی طرفداران "کمیته مرکزی" کشیده شویم، اگر آنها سعی در عصی کردن ما دارند بر خورد غیر رقیبانه میکنند با هوشیاری تمام بکوشیم تا اقدام مشابه نکنیم و در صورتی که کنترل خود را از دست دادیم نسبت به این نقطه ضعف خود برخوردی انتقادی و انقلابی کنیم. سعی کنیم در این بحران اپورتونیستیک پتانسیل

به سیراهه و به بی تفاوتی سوق داده نشود. همچنین دقت داشته باشیم که تعداد فلیسی افراد فرصت طلب هستند که با بخش نشریه کار و ادعای هوا داری از ما مقاصد دیگری را تعقیب میکنند در اینگونه مواقع باید ادعای عمارا با هم مقایسه کنیم تا بی به ماهیت رفقا در هر اقدام خود باید نظر داشته باشیم که این اقدام باید در خدمت گسترش و تعمیق مبارزه طبقاتی پرولتاریا و تعمیق مبارزه طبقاتی توده های میلیونی خلق علیه امپریالیزم و پایگاه داخلی اش باشد. موضع ما نسبت به این موضوع آن فرد گروهی بر اساس نوع لباس، ملیت، زبان، مذهب و... بلکه بر اساس جهت گیری این فرد یا گروه نسبت به مبارزه طبقاتی به طور عینی در حال گسترش جامعه ماست و از این جهت در مبارزه اپورتونیستیک علیه اپورتونیسم راست که وجه مشخصه آن در شرایط کنونی

تأکید این با آن جناح هیئت حاکمه و یا کل آن است نباید به دام کسانی که میخواهند سمت مبارزه را منحرف نموده و مثلاً "روحانیون" کاتالیزه کنند گرفتار شویم. باید نشان دهیم که دشمنی و دوستی ما با هر اپورتونیستی نهاد و بیانی در شرایط کنونی بدین امر بستگی دارد که این اپورتونیستی و یا نهاد پرولتاریا عملاً در خدمت چه طبقه ای قرار دارد. مبارزه طبقاتی موجود با کسانی که با هر اپورتونیستی و تحت هر عنوانی علیه خلق و به سود بورژوازی وابسته امپریالیزم اقدام میکنند دشمنی میوریم و آنها را افشا میکنیم. و بالاخره دیگر "خطاب به هواداران" را که در شماره ۶۱ کار درج شده است با دقت مطالعه کرده و با پیشنهادات و انتقادات خود ماریاری کنید. پیروز باشید



بنی صدر و سیاستهای حاکم بر...

بنده استناده کرده بودم. بنی صدر بعنوان نماینده بورژوازی از همان پانزده ماه قبل خواهان استقرار کامل حاکمیت دولت، تلاشهای شوراهای واقعی، حفظ نظم موجود و اسبیت دلخواه بورژوازی، فریب کارگران و دهقانان و غیره بوده است. این "سویودی" که در صفت مبارزه کارگران و رزمندگان و در کنار خلقهای تحت ستم کرد و ترکمن از منافع آنان و بطور کلی دساوردهای قیام پیرومند خلق بدفاع برخاستی و در نتیجه کنوری رابه "بلاطم انداختی" و "فرصتهای گرانقدری را از دست" بورژوازی و زمینداران بیرون بردی. اکنون که پس از پانزده ماه "آمدی و میگوئی بنده استناده کرده بودم" و مبارزه ضد امپریالیستی را (آنطور که آقای بنی صدر بنا به مصالح طبقاتی خود ترا در کرد کرد و پیش میبرد!) حقیقتاً درک کرده ای "جداً قل روی این حرف بایست!"

بنی صدر که در بحران هیات حاکمه سازش پورتونستیهای "کمیته مرکزی" را بعنوان دلیلی بر حقانیت روش خویش برای اعمال حاکمیت، در مقابل رهبران حزب جمهوری اسلامی اقامه میکند تنها یک حقیقت تاریخی را از نظر دور میسازد اوفادریه تفکیک و نمایانه های احزاب و سازمانهای کمونیستی از احزاب و جریانات "بورژوا لیبرال" نیست.

بنی صدر بنا به ماهیت بورژوازی نظریات خود نمی تواند این حقیقت را درک کند که اگر رهبران احزاب بورژوازی قادرند دست کم برای دوره هایی با توسل به انواع تاکتیکیهای دیپلماتیک حقیقت را از توده های پوشیده بدارند اما خصومت طبقاتی احزاب و جریانهای پرولتری چنین نیست. بر خلاف احزاب بورژوازی و احزاب پورتونست کارگری، در احزاب کمونیستی بر بنیاد حرکت انقلابی توده های حزبی رهبران قابل کنترل، بازرسی و تعویض هستند. اشتباه بزرگ بنی صدر آنست که او فراموش میکند که در مدارک با نمایندگان "کمیته مرکزی" هنگامیکه به "پیروزی بزرگ" خویش دست می یافت در صحنه مبارزه درون سازمانی، دیگر ایدئولوژی و سیاست جناح پورتونستی سازمان مورد قبول و پشتیبانی توده ها و کادرهای انقلابی تشکیلات نبود، بلکه آنان بروی بخاطر زیربانیان سیاست انقلابی و مستقل پرولتری و گذشت نسبت به منافع کارگران طرد خواهند شد. گفتگوان نقطه نظر تاکتیک کمونیستی همواره قابل بررسی است اما ملاک صحت و یا نادرستی آن همواره به مضمون و محتوای سیاست این نوع تاکتیکها بستگی دارد. گفتگو مدارک از موضوع تسلیم طلبانه هیچ وجه اشتراکی با مارکسیسم - لنینیسم انقلابی نداشته و پورتونسیسم نامیده

مخمسد ساخت جناح پورتونستی از این نظریات تا بل نسخیم بوده است که آن نهاد اساسی ترین مسائل مربوط به تحمیل حاکمیت، تعیین ماهیت آن و بالنتیجه اتخاذ خط مسی و تاکتیک در باره حکومتی برخوردار دولت، در کار مبارزه ضد امپریالیستی، بطور روز افزونی با مواضع حزب توده همسوئی و همگامی نشان داده اند.

از طرف دیگر آنان بدون توجه به نظرات توده های سازمان در طول استندت خود را مجاز دانستند که بدخواه سیاستهای تعیین بنده سازمانی را تغییر داده و آنرا با ایده های پورتونستی خود منطبق سازند. چنین کرایشی وقتیکه با تزلزلات ایدئولوژیک سیاسی آنان که حاصلت دوگانه حرد بورژوازی انطباق نایند بود، همراه مسد لطافات فراوانی رابه موقعیت سیاسی سازمان و منافع جنبش کمونیستی ایران وارد مینمود

راست رویهای "کمیته مرکزی" امروز تا بسدان حد آشکار شده است که حتی آقای بنی صدر هم از آن بعنوان بزرگترین پیروزی خویش سخن میگوید. بنی صدر در مصاحبه اخیر خود با منصور ناراجی روزنامه نگار اطلاعات، وقتی بر سر مسئله جنبش کمونیستی ایران مورد سؤال قرار می گیرد چنین جواب میدهد:

"از ناحیه جنب، هیچ تهدیدی نیست و نمی شود. برای آنکه اینها اصولاً حرفی ندارند بزنند پانزده ماه ایران را به هم ریختند و حالا آمده اند میگویند آن کارها غلط بوده، بایست بگذاریم کنار. خوب مرد عاقل پس آخر این علم سرخورده به چه درد تو میخورد. ۱۵ ماه کنوری رابه تلاطم انداختی و فرصتهای گرانقدری را از دست این ملت بیرون بردی حالا بعد از ۱۵ ماه آمدی و میگوئی بنده استناده کرده بودم. حداقل سر این حرفت نیست. من بزرگترین پیروزی خود را همین میدانم که بواسطه منطبق رابه این گروهها نشان دهم. اگر ما روی خط بحث آزاد حرکت کنیم قطعاً پیروز خواهیم شد. جامعه باید مراد مبارزه با جاقاق دارها و جاقاق بارها یاری کند" (اطلاعات شنبه ۲۴ خرداد ماه) آری اظهارندامت و شیمانی از مبارزه علیه لیبرالها و حزب جمهوری اسلامی تحت پوشش شعارهای ضد امپریالیستی، این است جوهر سیاست جناح پورتونستی سازمان که بنی صدر این بورژوا لیبرال زیورک از آن بعنوان بزرگترین پیروزی خود یاد می کند. اینست آن تردانی که پورتونست های ما ترا بپله طمی نموده اند.

آنها همگامیکه می شوند، مواضع سازشکارانه شان را در خورد با بورژوازی این چنین بدون ملاحظه افسا می کنیم بیشترین ختم خود را نسبت به ما بروز میدهند. وای از این آثار شستهای یعنی! بار هم بجای بر خورد با "مشی چریکی" گذشته بنه مسائل سیاسی - عملی و به خط هشی کنونی چسبیده اند! حق بانی صدر است وقتی که میگوید: "تویانزده ماه کنوری رابه بلاطم انداختی و فرصتهای گرانقدری را از دست این ملت بیرون بردی حالا بعد از پانزده ماه آمدی و میگوئی

میشود. اشتباه اساسی "کمیته مرکزی" در آن بود که کمان میگرد با جلوگیری از علنی شدن مبارزه ایدئولوژیک و پوشیده داشتن مخالفتهای درون سازمانی می تواند چنینی و اعتبار سیاسی سازمان را وجه المصالحه سازش با بورژوازی قرار دهد. حرکت انقلابی ما حسابهای آنان را در هم ریخت و یکی از مهمترین ارزشها و دساوردهای علنی کردن مبارزه ایدئولوژیک در همین امر نهفته بود.

اکنون کمیته مرکزی با داد و فریادهای بی محتوا کوشش میکند ما را بعنوان اشعاب کزو انحلال طلب معرفی کند در حالیکه از نظر ما اشعاب کزو انحلال طلبی بیش و پیش از هر چیز عبارت از سیاستی است که بر مبنای آن مینسوان تحت پوشش مبارزه ضد امپریالیستی با لیبرالها سر میبرد گرد و حدت نشست و میتوان مبارزان کردستان توسط ارتش و هجوم و جشانه سپاه پاسداران علیه خلق کسرود را "جنگ برادر کشی"، یعنی جنگ برادر علیه برادر نامید. ما پیگیر ترین مبارزه را برای سازماندهی کار علنی انجام میدهم، اما باید در نظر داشت که روی برگرداندن از برنامه، تاکتیک و سن انقلابی بمنظور کسب اجازه فعالیت علنی و قسسانونی چیسسی جز انحلال طلبی نیست.

انحلال طلبی عبارت است از "تلاش قسمتی از روشنفکران حزبی برای انحلال" (یعنی پراکندن، انحلال، برانداختن و موقوف ساختن) سازمان موجود حزب و تبدیل آن به سر قیمتی شده بیک تجمع بی شکل و محدود ساختن آن در چهار دیوار فعالیت علنی" (یعنی در چهار دیوار فعالیت علنی و موجودیت "آشکار") و لولایکه این علنی بودن بقیمت استکاف آشکار از برنامه، تاکتیک و سنتهای " (یعنی تجربیات پیشین) "حزب" تمام شود.

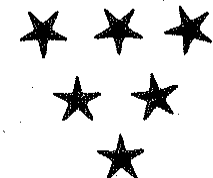
(لنین - مسائل مورد مشاجره) و این ویژه گی تاکتیک کمیته مرکزی در چشم انداز آن در مدارک با سران بورژوازی بوده است. موفقیت این تاکتیک بدون وارد نمودن منافع سرمایه داران در جنبش کارگری ممکن نیست اگر معنای صریح و بی پرده این سیاست و تاکتیک انحلال طلبی را بخواهید چنین خواهد بود: "حکومت جمهوری اسلامی، حکومتی ملی - انقلابی است! این حکومت رهبری جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک توده های مردم را در دست دارد و آن را علیه امپریالیزم آمریکا و "دوستان و جاسوسان" اش رهبری میکند. آقای بنی صدر ما خواهان پشتیبانی، تقویت و تثبیت چنین حکومتی هستیم. نه ما باید در چارچوب قانون اساسی اجازه فعالیت آزاد و کار علنی داده شود!" اینست معنای حقیقی اشعاب گیری و انحلال طلبی.

مجلس شورا و...

بقیه از صفحه ۴
و فقط با "اگر" و "مگر" هسا مجلس ماهیتی "خسرده مسئله راماست مالی کرده است. بورژوازی "دارد" با بورژوازی؟ "کمیته مرکزی" که خسود را ۲- آیا این مجلس مادر خواهد بود بر بحران فعلی در جهت "حلی جوهرنگام سازمان" (کار ۶۱) میداند باید موضع مافع توده های "خرده بورژوا" خود را در مقابل مجلس برای بطور رسمی علیه کند در صورتیکه مردم و هواداران روش کنند جواب شما منفی است، علت و نظرها باید بدین سوالات پاسخ روشن دهد: ۳- در صورتیکه با بهره گیری از موضع شما در مقابل ماهیت پاسخ شما منفی خواهد بود اگر سیاستهای مجلس در آینده چه خواهد بود. آیا این محوم این مجلس دامن زدن

است و تنها با حرکت فعال پورتونسیسم راست خطر عمده انقلابیون در مبارزه توده ها، جنبش کمونیستی در شرایط افسا گیری همه جانبه جاضرات باید سیاستهای بورژوازی هسست سازشکارانه این پورتونستها را حاکمه و تلاش در جهت عمیق افسا نمود. بخشیدن به مبارزه ضد سیاستی که جبراً بایستداز مجلس و پورتونستهای کابال مبارزه با بورژوازی وابسته "کمیته مرکزی" گذرد - میوان گرایش دوم را نبود، گرایش اول را تضعیف و گرایش سوم را سازمان داد. مقاله ای نوشته و ضمن اینکه روانه در سرچوردنا شرایط مضمون "راست" آن از نظر ما عملاً گرایش اول و دوم را تقویت روشن است ولی بطور صریح خواهد کرد. از آنجا که یوروس هیچ اظهار نظری نکرده

به بحران و ناتوانی در ححل خواهد نمود و ما را "جداز" نسبی بحران است به چه دلیل نوده "خواهید گفت ولی چه باید از آن بعنوان یکی از حوب بود حداقل در مسائل سهادهای حاکمیت سیاسی مربوط به مجلس و رابطه توده ها موجود پشتیبانی کرد؟ با مسئله مجلس طی پروسه چند ماکه شماراع "تجلی جوهر ماهه" گذشته به خود توده ها تکامل سازمان بلکه دنباله رو مراجعه میگردند. واقعاً اگر سیاستهای حزب توده سماحدار بوده میسیدری به مداسیم معتقدم شما ناآخا کوجه و حیایان بر میسند که میباید اریاسح صریح آتوتی توده ها شما بسیار و روش طفره خواهد درت ولی حیرا خواهد آمد آموخت



پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

حزب توده و ...

بقیه از صفحه ۱

حزب توده، خواه در تئوری با تبلیغ راه رشد غیر سرمایه داری، گذار مسالمت آمیز و انکار رژیم مونی پرولتاریائی وجه در عرصه پراتیک اجتماعی، از طریق بازداشتن کارگران و توده های زحمتکش از مبارزه بر علیه بورژوازی تبلیغ صلح طبقاتی، سازش با بورژوازی و پادروشی آن، همانند پیش کسوتانش برنشتین و کائوتسکی به فریب توده ها متوسل میشود و میکوشد این توهم را در توده ها دامن زند که رژیم حاکم قادر است از طریق یک سری رفرمهای بورژوازیستی توده ها را به سوی یک جامعه آرمانی پیشبرد.

حزب توده میخواهد با اجرای کنترل شده قانون اساسی بسوی سوسیالیسم برودم مبارزه طبقاتی عیناً "موجود در جامعه ما" را نفی کرده و هم گذار مسالمت آمیز راه رشد غیر سرمایه داری را تبلیغ و ترویج می کند و بیپوده نیست که هر خیزش توده ای، هر جنبش خود بخودی و هر جنبش انقلابی علیه این حاکمیت را کار آنا رشیست ها میدانند ...

برخورد با رفرمیسم حزب توده در زمینه های مختلف بویژه از آن جهت در خورا اهمیت است که حزب توده بعنوان سردمدار رفرمیسم از مجموعه نظرات همگن و سیستم یافته ای برخوردار است که منبع تغذیه و رشد بسیاری از جریان های انحرافی راست درون سازمان ما برهبری کمیته مرکزی است. سیاست ها و موضع گیری های اخیر "کمیته مرکزی" به ویژه در شماره های ۵۹ و ۶۰ به وضوح نشان میدهد که اکنون همان نظرات انحرافی حزب توده در قالب و پوشش سوسیالیستی همراه با یک سلسله عبارت پردازیها و مخالفت خوانیهای ظاهری با حزب توده راهنمای پراتیک "کمیته مرکزی" شده است. ضمیمه کار ۳۵ که نمونه بارز لاپوشانی کردن جوهر نظرات انحرافی و رفرمیستی بود، سرانجام در اثر رشد مبارزه طبقاتی در جامعه و درجه تکامل مبارزه ایدئولوژیک در درون سازمان، در سرمقاله کار ۵۹ جوهر واقعی خود را لخت و عریان بنمایش گذاشت. بنا بر این مبارزه ایدئولوژیک با حزب توده در همان حال مبارزه با اپورتونیسم راست بطور کلی و اپورتونیستهای "نویای" درون سازمان ماست.

ما در این مقاله سعی میکنیم به یکی از جنبه های سیاست حزب توده در برخورد با بخش دولتی اقتصاد سرمایه داری و سیاستهای سرمایه داری دولتی بپردازیم.

حزب توده مدعی است که بخش دولتی اقتصادی جمهوری اسلامی در خدمت زحمتکشان قرار دارد، و دارای سمت گیری های سوسیالیست است. حزب توده نه تنها امروز بلکه در دوران رژیم شاه نیز از یک چنین تری دفاع می کرد. اما به ویژه امروز می گویند که تزه های خود را بر مبنای به اصطلاح علمی استوار سازد، و عوا مفریبی خود را در پوشش ندیشه های علمی پنهان دارد. از اینرو لازم است که با توجه به نوشته های متعدد آنها، تزه ایشان را در این مورد بررسی کنیم و ماهیت بخش دولتی اقتصاد را در جمهوری

اسلامی نشان دهیم. اما پیش از پرداختن به نوشته های آنها لازم است جمله ای کوتاه از انگلس را که بیان گر نظریه بنیادین کارگران کیسرسوسیالیسم علمی در باره بخش دولتی اقتصاد است، در اینجا ذکر کنیم. انگلس در اثر خود آنتی دورینگ مینویسد:

"البته نه تبدیل نیروهای مولده به شرکت های سهامی و نه به مالکیت دولتی هیچ کدام خلعت سرمایه ای نیروهای مولد را ازایل نمی کند. در مورد شرکت های سهامی این مسئله بوضوح دیده میشود و دولت جدید با زهم فقط تشکیلاتی است که جامعه سرمایه داری برای حفظ شرایط عمومی خارجی شیوه تولید سرمایه داری خواه در برابر حملات کارگران و خواه در برابر تک سرمایه داران برای خود بوجود آورده است دولت مدرن به هر شکلی که باشد عمدتاً یک دستگاه سرمایه داری است، دولت سرمایه داران است، سرمایه داران ایستاده آل است. او هر چه بیشتر نیروهای مولده را تحت مالکیت خود درآورد، بیشتر بصورت سرمایه دار کل واقعی در می آید و اتباع دولت را بیشتر استیفا میکند. کارگران با زهم کارگران مزدور - پرولتاریا - باقی میمانند. مناسبات سرمایه از بین نمیروند بلکه حتی به اوج خود میرسند."

تغییراتی که پس از فرم شاهانه در جامعه ما صورت گرفت منجر به تسلط شدن روابط سرمایه داری در جامعه شد. این مناسبات چه در دوران رژیم شاه و چه امروز مناسبات مسلط را در تولید تشکیل میدهند. بخش دولتی اقتصاد نیز در گذشته یکی از منابع عمده درآمد و تغذیه بورژوازی وابسته و انحمارات جهانی بوده است. پس از قیام علیرغم مبارزه توده ها و ضرباتی که به مناسبات اجتماعی موجود وارد آمد، اما از آنجائیکه با سازش سران خرده بورژوازی با بورژوازی قدرت دولتی عملاً به دست بورژوازی افتاد، در ماهیت مناسبات موجود نیز تغییری صورت نگرفت و بخش دولتی

قبل از هر چیز باید در نظر داشت که در شرایط تسلط مناسبات سرمایه داری وابسته، بخش دولتی اقتصاد چیزی جز سرمایه داری دولتی وابسته نیست و این بخش دقیقاً در خدمت بورژوازی است.

اقتصاد نیز همچنان بصورت ملک مشترک بورژوازی باقی ماند. بنا بر این ما دامیکه مناسبات مسلط را در جامعه ما، مناسبات سرمایه داری تشکیل میدهد ما دامیکه قدرت دولتی عملاً در دست بورژوازی است، این بخش نه در خدمت زحمتکشان، نه دارای سمت گیری های سوسیالیستی بلکه در خدمت بورژوازی و سرمایه داری مناسبات موجود است. حال بیاییم حزب توده چه میگوید:

در هیچ نظام اجتماعی - بدست دارند. به بیان اقتصادی بخش دولتی از دیگر خلعت طبقاتی جهت سمت طبقاتی خود حاکمیت دولتی و سمت یک دیده بیطرف نیست گیری سیاسی آن، هدف و و تمییز آنند. در هر وظایف بخش دولتی و طبق جامعه ای بخش دولتی نیل به آنها مالا ماهیت منعکس کننده منافع آن تجدید تولید را معین نیروهای اجتماعی است میسازد. که مالکیت دولتی را در دوران رژیم

مطلوع، بخش دولتی که تحت قیمومت بورژوازی بوروکراتیک قرار داشت در جهت رشد بخش خصوصی سرمایه داری در پهنای و ژرفای عمل میکرد، یعنی به تحول سرمایه داری وابسته در کشور باری میداد" (دنیاشماره چهارم آذرماه ۵۸ صفحه ۲۵ تا کیدا زماست) این گفته ها، بیانگر دریافت سراپا تحریف شده حزب توده از مساله دولت و تئوری لنینی دولت است. اینکه بگوئیم "در هر جامعه ای، بخش دولتی منعکس کننده منافع آن نیروهای

حزب توده، خواه در تئوری با تبلیغ راه رشد غیر سرمایه داری، گذار مسالمت آمیز و انکار رژیم مونی پرولتاریائی وجه در عرصه پراتیک اجتماعی، از طریق بازداشتن کارگران و توده های زحمتکش از مبارزه بر علیه بورژوازی، تبلیغ صلح طبقاتی، سازش با بورژوازی و پادروشی آن، همانند پیش کسوتانش برنشتین و کائوتسکی به فریب توده ها متوسل میشود و میکوشد این توهم را در توده ها دامن زند که رژیم حاکم قادر است از طریق یک سری رفرمهای بورژوازیستی توده ها را به سوی یک جامعه آرمانی پیشبرد.

اجتماعی است که مالکیت دولتی را بدست دارند" ما نهاد اینست که بگوئیم لیسوفروش، لیبودارد. این پائین ترین سطح تجرید است. در حالی که مساله اینست که نشان دهیم در شرایط تاریخی معین تولید، و در شرایط همین مبارزه طبقاتی، بطور خاص، و در شرایط تاریخی جامعه های طبقاتی، بطور عام دولت بیانگر منافع کدام نیروهای اجتماعی است. دولت، در یک کلام یعنی دسته های خاص افراد مسلح (با ضامن زندانها، سیستم حقوقی، ...). ضرورت دولت از اینجا ناشی میشود که تضادهای طبقاتی آشتی ناپذیر وجود دارد، و "اراده دولت را نیازهای متغیر جامعه مدنی، نیازهای طبقه مسلط، و پاری سطح تکامل نیروهای مولد و مناسبات مبادله تعیین می کند" (انگلس، لودویگ فویرباخ ۰۰)

می یابد و به حربه برننده دستیابی به استقلال اقتصادی، آزادی اجتماعی و توده های زحمتکش و پیشرفت مبدل میگردد" (همانجا صفحه ۲۹) تا اکید از ماست) این جمله در یک سطح از تجرید درست است. اما، بطور مشخص، هنگامی حقیقی خواهد بود که دستگاه دولتی کهنه (دولت طبقاتی استثمارگر و استثمارشده) در هم شکسته شود. "پیش شرط هر انقلاب حقیقی خلعی، درهم شکستن ماشین بوروکراتیک - نظامی است!" رهبران حزب توده برای توجیه "منافع عملی" خود این نتیجه را میگیرند که چون "خرده بورژوازی را دیگال و انقلابی قدرت را نیازهای متغیر جامعه مدنی، نیازهای طبقه مسلط، و پاری سطح تکامل نیروهای مولد و مناسبات مبادله تعیین می کند" (انگلس، لودویگ فویرباخ ۰۰)

بدین سان، عبارت برداری های کلی مانند بقیه در صفحه ۷

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

حزب توده و بخش

کردستان و ترکمن صحرا و... سرکوب میشوند کاری ندارد، مهم این است که حزب توده تصمیم گرفته است که حاکمیت را در وجه غالب "دموکراسی انقلابی" را دیکال" بنا مدوازین بالاتر اینکه مدعی شود که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران همه حاکمیت - موممه اجتماعی شدن الحکیت تصریح شده است زیرا مینویسد:

"نحوه برخوردیه دو مساله مهم حاکمیت و مالکیت مضمون و محتوای هر انقلابی را تشکیل میدهد نهادوم انقلاب پرنوان ایران دو موضوع عمده را در دستور روز قرار داده است: مساله شرکت فعال انبوه وسیع زحمتکشان در اداره امور دولتی و معضل اجتماعی شدن مالکیت که هر دو آنها در قانون اساسی تسریع میشود" (دنیا شماره ۴ - آذر ۵۸ ص ۲۱ تا کیدازماست)

حزب توده فراتر از این می رود و معتقد است که:

"آن نظام اقتصادی که در اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی منعکس گردیده، در صورت اجرای دقیق و کنترل شده، آن (مگر محریان غیر هستند)، میتواند در آینده شرایط گذار به جامعه بی طبقه (چرا میترسید بگویند جامعه کمونیستی) را که خواست اکثریت قاطع زحمتکشان در جمهوری اسلامی است، فراهم آورد" (همانجا ص ۲۲ - پراثره ازماست)

خوب در حملات بالا دقت کنید و ببینید ابورتونیستهای ما میخواهند با چه کسانی علیه امپریالیسم وحدت کنند. آیا اگر بر فرض این که حاکمیت کنونی خرده بورژوازی باشد که بنظر ما نیست (آیا این حاکمیت میتواند معضل

بقیه از صفحه ۷

اجتماعی شدن مالکیت را حل کند. آیا قانون اساسی بیان خواسته ها و حافظ دست آورده های قیام خونین توده های خلق و تجسم محتوای مبارزات دمکراتیک - ضد امپریالیستی آنها است. حزب توده از قانون اساسی دفاع می کند که به حق تمام نیروهای انقلابی (کمونیستی و غیر کمونیستی) آنرا قانونی در اساس ارتجاعی نامیدند. بررسی معضل ما از قانون اساسی منتشر خواهد شد ولی لازم است این نکته که اپورتونیست ها معمولا نمیخواهند و نمیتوانند دیدن توجیه کنند را در نظر بگیریم که نباید تصور کرد که هر قانون بورژوازی، در تحت هر شرایطی بدون در نظر گرفتن چگونگی آرایش قوای طبقاتی و سطح کیفیت مبارزه بین طبقات متخاصم، شرایط و موقعیت جنبش توده ای و غیره میتواند نقانونی شسته و رفته، قانونی از هر جهت کامل و ایده آل برای بورژوازی باشد با دیدن مساله توجیه داشت که سطح رشد مبارزه طبقاتی و موقعیت اقتضای مختلف خلق، شرایط تاریخی و عوامل دیگر (و من جمله احساس خطر بورژوازی از برقراری یک حکومت انقلابی) باعث میشوند که گاه بورژوازی علی الظاهر و مؤقتا امتیازاتی به توده ها امتیازاتی به توده ها بدهد تا جوش ها و غلیان های توده ای فروکش کرده و در فرصت مناسب موقعیت خود را که بهتر حال بر اثر قیام توده ها متزلزل شده است از نو مستحکم سازد. حزب توده که می خواهد با اجرای کنترل شده قانون اساسی بسوی سوسیالیسم برود هم مبارزه طبقاتی عینا "موجود در جامعه ما" را نمی گذارد و هم گذار مسالمت آمیز و راه رشد غیر سرمایه داری را تبلیغ و ترویج می کند و ببینید نیست که هر جنبش توده ای، هر جنبش خود بخودی و هر جنبش انقلابی علیه ایستادگی حاکمیت را کارآزار نیست ها می داند، همانها می که اپورتونیست ها به لنین هنگامیکه وی بر گذار قهرآمیز تا کید میگرد و آرد می آورند ما لنین جواب میداد که:

"کسی که مبارزه طبقاتی را قبول دارد نمیتواند جنگهای داخلی را که در هر جامعه طبقاتی بمثابه دامنه تکامل و تشدید طبیعی و در موارد مخصوص اجتناب ناپذیر مبارزه طبقاتی است قبول نداشته باشد. تمام انقلابهای کبیر مویذ این اصلند. نفی بیاموش نمودن جنگهای داخلی معنایش دچار

شدن به منتهی درجه اپورتونیسم و عدول از انقلاب سوسیالیستی است (لنین - برنامه جنگی انقلاب پرولتاریائی - ص ۶۸۵ منتخب آثار) تازه حزب توده نه فقط گذار مسالمت آمیز و راه رشد غیر سرمایه داری را از قانون

واژه "مشروع" منافع "خرده بورژوازی" و زحمتکشان شهروروستا را می فهمند. در اصل ۴۶ قانون اساسی نیز با قید کلمه "مشروع" بر مالکیت حاصل کسب و کار بطور کلی تأکید کرده است. در اصل ۲۲، همان اصلی را که در

کسی که مبارزه طبقاتی را قبول دارد نمیتواند جنگهای داخلی را که در هر جامعه طبقاتی بمثابه دامنه تکامل و تشدید طبیعی و در موارد مخصوص اجتناب ناپذیر مبارزه طبقاتی است قبول نداشته باشد. تمام انقلابهای کبیر مویذ این اصلند. نفی بیاموش نمودن جنگهای داخلی معنایش دچار شدن به منتهی درجه اپورتونیسم و عدول از انقلاب سوسیالیستی است. (لنین - برنامه جنگی انقلاب پرولتاریائی - ص ۶۸۵ منتخب آثار)

اساسی جمهوری اسلامی نتیجه می گیرد بلکه حتی خود این قانون را نیز نمیتواند بفهمد در اصل ۴۲ قانون اساسی آمده است "مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است، ضوابط آنرا قانون معین میکند" پیدا است که منظور مالکیت شخصی، لباس، خانه شخصی... نیست بلکه مقدس، مشروع و محترم شمردن مالکیت خصوصی آنها مالکیت محدود) و حفظ منافع و

... ما می گوییم مناسبات مسلط در جامعه ما، مناسبات سرمایه داری تشکیل میدهد و ما می گوییم قدرت دولتی عملا در دست بورژوازی است، این بخش ندر خدمت زحمتکشان، نه دارای سمت گیری های سوسیالیستی، بلکه در خدمت بورژوازی و ترمیم و بازسازی مناسبات موجود است.

خصوصی مشروع و نه محدود می باشد و در سرتا سر قانون اساسی "حدی" برای مالکیت خصوصی تعیین نشده بلکه همیشه آنرا بعهد قانون گذاشته است چیزی که براحتی با یک رای گیری در مجلس میتواند بینهایت هم میل کند. واژه "مشروع" در قانون اساسی تپاس شرعی است که بر تن سرمایه پوشانده اند تا تقدیس آنرا حفظ کنند و توده ها را از حمله به حریم سرمایه باز دارند و تنها اپورتونیستها از

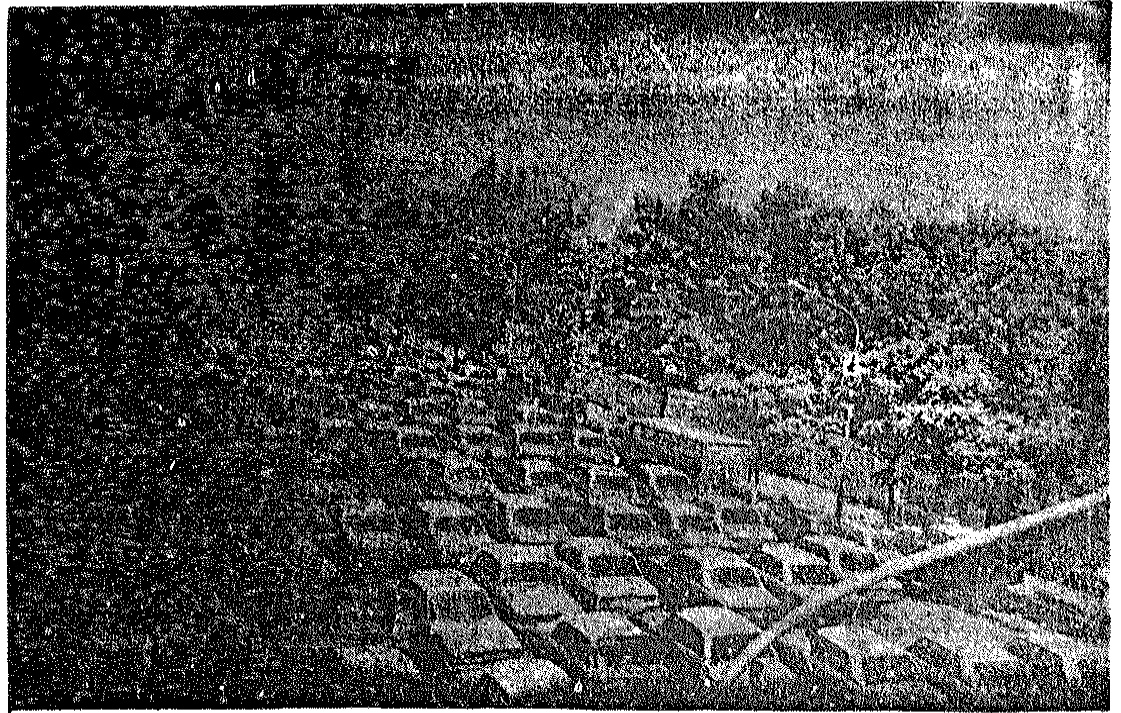
میتوان مشاهده کرد. در همین اصل است که مالکیت خصوصی بورژوازی مورد حمایت صریح قرار میگیرد و با حمایت آشکار از مالکیت خصوصی (بدون هیچگونه محدودیتی برای آن) بورژوازی، بخش دولتی را بعنوان بخش دولتی سرمایه داری وابسته مکتب این بخش قرار میدهد. در این اصل در سه بخش خصوصی، تعاونی و دولتی اقتصاد تأکید شده است و در مورد بخش دولتی گفته میشود که بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تامین نیرو، سدها و شبکه های بزرگ آب رسانی... که بصورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است" در نظر گرفتن آنچه که در این اصل قانون اساسی درباره بخش دولتی گفته شده است، بدون توجه به مناسبات حاکم و حمایت صریح از بخش خصوصی (بدون هیچ گونه محدودیت برای آن) در همین اصل، نقش بخش دولتی در اقتصاد وابسته، بحران اقتصادی، تکامل مناسبات سرمایه داری جهانی و... ممکن است این تصور را پیش آورد که این

همان مهر و نشان خرده بورژوازی در قانون اساسی است که زمینه گذار به جامعه بی طبقه را فراهم میسازد. اما قبل از هر چیز باید در نظر داشت که در شرایط تسلط مناسبات سرمایه داری وابسته، بخش دولتی اقتصاد چیزی جز سرمایه داری دولتی وابسته نیست که دقیقاً در خدمت بورژوازی است. در گذشته نیز بخش وسیعی از آنچه که در اینجا بعنوان بخش دولتی به آن اشاره شده

است، جز بخش دولتی اقتصاد و حزب توده هم از رژیم شاه میخواست که بخشهای دیگر را هم دولتی کند. در حالیکه این بخش یکی از کانال های اصلی انباشت سرمایه برای بورژوازی وابسته محسوب می شود اما نکته دیگری که حزب توده نمیتواند بفهمد و نمیخواهد بفهمد این است که در جامعه بحران اقتصادی وجود دارد و درک این مساله غیر از تکرار طوطی وار آن است حتی در کشورهای امپریالیستی هنگامیکه جامعه با یک بحران حاد روبروست، برای نجات سرمایه داری پاره ای از صنایع یا موسسات دیگر بخش خصوصی، دولتی می شوند. و قابل تذکر است که در شرایط کنونی سیستم جهانی سرمایه داری بعلنی که در اینجا مجال تشریح آن نیست نقش دولت در اقتصاد بسیار افزایش یافته است و از این طریق ارزش اضافی بدست آمده، بین سرمایه داران تقسیم می شود. اما دیدن و درک این واقعیات برای رهبران و شورویستهای حزب توده امکان ندارد بهمانگونه که "سرمایه" نمیتواند خود را تفسیر کند اگر چه در درونش ضد خود را پرورش میدهد کسانی که پنخوی در خدمت "سرمایه" و نه "کار هستند نیز نمی توانند خود را تفسیر کنند اما برای مابسی رنج آور است که از بین کسانی دعوت حزب توده را برای منجلاب پذیرفته اند

ویژه ۵ تیر
منتشر
می شود

مرحله دوم طرح ترافیک و اعتراض رانندگان تاکسی



کارگران کارخانه ارج خواستار تقلیل کار پنجشنبه‌ها هستند

کارگران شیفت دوم کارخانه ارج، پنجشنبه ۲۹ خردادماه، در اعتراض به برنامۀ کار پنجشنبه‌ها، خود دست از کباز کشیدند و جلوه تیرا داری کارخانه جمع شدند. اعتراض کارگران به تصمیم شورایی بود که برنامه کار پنجشنبه کارگران شیفت دوم را از ساعت ۵ صبح تا ۱۲/۳۰ تا ۱۹ رسانده بود. در عوض نیم ساعت کار روزهای دیگر افزودند. نیم ساعت وقت شمام کارگران را حذف کرده

بود. حرکت اعتراضی این کارگران که در قسمت پرسکاری و مونتاژ بودند مورد پشتیبانی کارگران اکثر قسمت‌های دیگر قرار گرفت و شورایی برای جلوگیری از گسترش اعتراض کارگران و سایر تاکیدی بر اینکه "هرچه شما می‌گویید درست است" وعده داد که روز شنبه به خواست‌های آنها رسیدگی کند. کارگران قسمت پرسکاری روز پنجشنبه از ادامه کار خودداری کردند.

اعتراض کارگران "ساکا" به دستگیری نمایندگان خود

بیش از سیصد تن از کارگران کارخانه ساکا، به همراه خانواده‌هایشان روز شنبه ۳۰ خردادماه جلوی کاخ نخست‌وزیری گرد آمدند و خواستار آزادی نمایندگان خود بودند. آنها شعار میدادند "حرف پس است عمل کنید" و "ما را آزاد کنید". نماینده زندانی آزادباید کرد. این جمع در پی دستگیری مفت نفرات نمایندگان کارگران این کارخانه بود که یا نژده روز پیش از این تاریخ، با طرح اتهامات بی‌اساس از

جانبدار مدیریت و انجمن اسلامی کارگران صورت گرفت. در طول روزهای گذشته شش نفر از نمایندگان آزاد شدند اما نماینده محبوب مبارز کارگران، احمد رضا کریمی هم‌اکنون در تاریخ مذکور همچنان در زندان بود.

هنگام تجمع کارگران جلوی کاخ نخست‌وزیری، تعداد زیادی از نمایندگان شهربانی با بی‌سیسم و مسلسل در آنجا حضور یافتند.

اخراج ۶۰ کارگر ایران ناسیونال طی شش روز

در کارخانه ایران ناسیونال از تاریخ ۱۴ ماه ۱۹ خردادماه، حدود ۶۰ کارگر تحت عنوان "پاکسازی" "اخلال" "مدانقلاب" اخراج کرده‌اند.

اخراج کارگران بدنیا به طرح خواستهای رفاهی آنها صورت گرفت. روز ۱۳ خرداد نماینده قسمت تشک دوزی کارخانه به شورامراجعه می‌کند کارگران از جمله تعویض شیفت، اضافه حقوق، تعطیل پنجشنبه‌ها و غیره را مطرح می‌کند. اما دستور اخراج این نماینده داده می‌شود.

بعد از ظهر آنروز کارگران به حمایت از نماینده خود از سرویس‌ها پیاده می‌شوند و بمدت یک ساعت علیه مخلص نامی که حکم اخراج نماینده را صادر کرده بود شعار می‌دهند.

صبح روز بعد مخلصی و رضوی نماینده دبیر سندیکا کارگران را در پای رکتینگ کارخانه جمع کرده و برای آنجا سخنرانی می‌کنند. آنها کارگران را تشویق به تولید بیشتر

دعوت می‌کنند و مسئولیت اخراج نماینده کارگران را بعهده سندیکا می‌گذارند. پس از آن اعضای انجمن اسلامی کارخانه دستیاران خود در آن رزم سابق یکی از کارگران پیشرو را شنیدند "مسورد" حمله و ضرب و جرح قرار میدهند و از فردای آنروز تمغیه‌ها و اخراج کارگران در کارخانه آغاز می‌شود. این است ما هیئت رزیمی که با مصلح خودشان حمایت از "مستغفین" را بعهده گرفته است.

اخراج و بی‌کساری کارگران، فقر و گرسنگی آنها، این است نصیب کارگران در نظام سرمایه‌داری. برای اینکه کارگران به خواستهای بحق خود برسند، برای اینکه ریشه‌های فقر و بدبختی، بی‌کساری و گرسنگی را برانند، باید متشکل گردند، باید وحدت خود را حفظ کنند و مبارزه خود را علیه سرمایه‌داران خصوصی و پاددولتی که بنمایندگی از سرمایه‌داران کارگران را استعمار می‌کنند، ادامه دهند.

نمی‌کند. مثلاً یک دانۀ آمیریمپ را که در شرکت قیمت آن حدود ۲۰۰ تومان است شرکت به ما می‌دهد و ما مجبوریم از بیرون به ۴۰۰ تومان بخریم. راننده دیگری پیرامون حق بیمه و مسکن و شرکت تعاونی، ضمن اینکه سندهایی را که سالها قبل با بست خانه پسرول

داده بودند نشان می‌داد، می‌گفت: "الان نزدیک هفت سال است از ما حق مسکن گرفته اند ولی هنوز که هنوز، من اجاره نشینم و خانه‌ای ندارم". بیمه هم که اصلاً نداریم همه این کارها را باید این شرکت تعاونی انجام می‌داده که نداده، به نظر ما این شرکت ساختگی و دکور است. اصلاً به تاکسی داره نمی‌رسد، آدم‌هایی هم که توی شرکت هستند و با عنوان به اصطلاح نماینده انتخاب شدند، مثل حاجی مدنی بی‌فکر دوست‌ها و آشناهای خودشان هستند. یا آن نماینده‌ای که آن شب از تلویزیون حرف زد، همه او را می‌شناسند که چگونه آدمی است. اینها هیچکدام بدرد ما نمی‌رسند، ما باید از این پراکندگی درسیائیم الان راننده، راننده را نمی‌شناسد، آخه این وضع درست نیست، ما باید اتحادیه تشکیل دهیم. رانندگان تاکسی که جزو زحمتکشان جامعه ما هستند، همچون دیگر زحمتکشان، دچار محرومیت‌ها و رنج‌هایی هستند و خواست‌های برحق آنها بی‌تردید باید برآورده شود. دولت باید این واقعیت را درک کند که هیچ نیروی قدرتیست با توسل به شیوه‌های سرکوب جلوه حرکت توده‌ها را سد کند.

به هیچ نتیجه‌ای نرسیده‌اند یکی از رانندگان تاکسی پیرامون علت اعتراض به طرح ترافیک و نیز خواسته‌های دیگرشان می‌گفت: "خط ویژه را که سرداشتند هم مسافرس ناز می‌است و هم راننده تاکسی، چون خیلی از مسیرها پرت می‌شود، راه ما طولانی‌تر می‌شود، مسافر هم دستر و گران‌تر می‌شود. مقصد می‌رسد، همیشه هم مقداری راه را باید پیاده

در پی اجرای مرحله دوم طرح ترافیک، که در بخشی از آن عبور تاکسی از خطوط ویژه ممنوع اعلام شده بود، رانندگان تاکسی دست به اعتراض زدند و با حرکت دسته جمعی و متوقف کردن تاکسی‌ها در خیابان‌ها، تجمع دیگری شرکت تعاونی ساکسای نسبت به مدته‌هاست که تاکسی‌ها از خطوط ویژه اعتراض کرده و خواسته‌های برآورده شدن خواسته‌های شغلی خود شدند. این خواست‌ها شامل همه، حق مسکن، کتبی، سربیس، تامین قطعات یدکی و تشکیل اتحادیه است. اما دولت، که هرگونه حرکت بحق طلبانه‌ای را زیر لوای ضد انقلابی بودن و اینکه این حرکات از سوی ایادی رژیم گذشته و ساواک "طرح‌ریزی و اجرا می‌شود، محکوم می‌کند، بدون توجه به خواسته‌های ما موران کمیته و پاسداران رانندگی متعزف کردن و سرکوبی آنها کسب داشت، دسته‌های جمعی را و حزب اللهی نیز طبق معمول برای حمله به این تجمع بسیج شدند. و در درگیری که بین این عناصر صورت گرفته گان تاکسی در گرفتند. تن از رانندگان، مضرب و مجروح شدند. امارانندگان دست از بی‌کساری خواسته‌های خویش برنداشتند و همچنان به حرکت خود ادامه دادند. آنها چند بار جلوی شرکت تعاونی کسیرانی، اجتماع کردند، بکروز جلوی شهرداری جمع شدند که رئیس جمهور به ناچار در تجمع آنها حاضر شد و قول داد مناظره‌ای بی‌س نمایندگان تاکسی رانان و شهردار ترتیب دهد و خودش نیز بیگانه آنها رسیدگی کند. با این هنوز رانندگان تاکسی

رئیس جمهور در تجمع رانندگان تاکسی حاضر شد
و آنها وعده رسیدگی داد، اما هنوز رانندگان نتیجه‌ای نگرفته‌اند

برود. مثلاً از سه راه عباس آباد تا میدان راه آهن، براه مشکلی است چون از خط ویژه نمی‌شود رفت. چرا که از خیابان مصدق تا میدان ولی‌عصر محازیم، بعدش را باید از میدان انقلاب و سبزه و با از فرعی‌ها برویم. خیابانها هم که چسبون تاکسی و شخصی یکی شده خیلی شلوغ است. اینها بدون اینکه به فکر ما باشند می‌خواهند مردم راه طرف اتوبوس‌حلب کنند، در صورتی که اتوبوس کم است و مسافر زیاد، سرویس‌ها نا منظم است و معطلی بسیار است. بنظر من باید در این طرح‌ریزی چند تا شوهر کهنه کار تاکسی هم می‌بودند که اینطوری نشود.

یکی دیگر از رانندگان تاکسی درباره ساعت کار رودرآمدش می‌گوید:

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیشواز مبارزات ضد امپریالیستی امگراتیک خلقهای ایران

افشای سرکوبگران خلق کرد

وظیفه همه نیروهای انقلابی است

بوری سرکوبگران و سیرجانه‌های کسبه از سوی ارگانهای سرکوب جمهوری اسلامی ضد خلق بهرمان گردانار و سیرجانه‌ها سید و هزاران زخمی سرحای گذاشته است که سراسر بمباران فاشیستی و هتلهای کوبنده را خود را از دست داده اند.

در این بوری سیرکوبگران و سیرمردان و سیرریان بودند که سید شده اند علاوه بر این گروه زیادی از جرمگاران کرد، سراسر سماران های سالی و حرایی و سراسی خاندوگانا سید خود، آواره شهرها و روساها را محاصره کرده اند و در سخت ترین شرایط سیرمی برید.

خلق کردند که هزاران سیرار بریدان بهرمان خود را از دست داده است، تمامی سحی هسا و منسبت هارا در راه آرمان سرکوب و انقلابی خود تحمل خواهند کرد. خلق کرد سجوی آگاه است که سیروری خلق امری محسوم و سیروی احیای ساید ساریخ است.



خیلی مثبت است، وضع را بیفیع شما تغییر خواهد داد. (نقل از گزارش کمیته مرکزی) هم درباره بگذارید کمی بودن سند مزبور برایتان بگوئیم: در حالیکه متن مذاکرات مزبور بصورت نوار خدمت آقای بهشتی وجود دارد و حتی برخی مطبوعات از آن با خبر شده اند، "کمیته مرکزی" به گزارش کتبی آن (که آنهم بدست خودش تهیه شده!) مهرا منیتی" کوبیده است!! آیا میتوان در این تردید داشت که "کمیته مرکزی" با آقای بهشتی احساس نزدیکی بیشتری دارد، تا با نوده ها؟!

آیا این نشان میدهد که "کمیته مرکزی" موازین بورژوازی را به جای ضوابط کمونیستی جایگزین کرده، و یا لاقول درکی خرده بورژوازی از موازین و ضوابط تشکیلات کمونیستی دارد؟!

تاریخی سازمان تسلط اپورتونسم را بر مرکز رهبری کننده آن به دشواری باور میکنند و سیاست های عمیقاً اپورتونیستی "کمیته مرکزی" را امری موقتی و یا تاکتیکی قلمداد مینمایند!

ما در اینجا برای آگاهی بیشتر رفقا و خوانندگان و برخلاف میل و تصمیمات "کمیته مرکزی" با استناد به گزارش درون سازمانی صریحاً "علام می کنیم که "کمیته مرکزی" در مذاکراتش با بهشتی راجع به جنگ در کردستان، خواهان صلح بهر قیمت بوده.

برای قانونی کردن تشریه کار، مدیحانه بر موضع سرمقاله کار "۵۹" تاکید نموده در مطالبه دفتر علنی از موضع "مارکسیسم قانونی" برخوردار کرده و در یک کلام پرنسیب های کمونیستی را زیر پا گذاشته است.

آقای بهشتی هم متقابلاً گفته است: "این چرخش خود را صریح و آشکارا اعلام کنید. این

گامیست در جهت زدودن سوء تفاهات ناشی از چپ رویهای گذشته! و مقدمه ایست برای ایجاد نظم" و با لایردن تولید و در یک کلام "تثبیت حاکمیت" و بزبانی دیگر

پاسخ به سئوالات

کوششی است در جهت تقویت خرده بورژوازی! و تحقق "راه رشد غیر سیر سرمایه داری". آنچه که ما را وامی دارد تا سیاستهای "کمیته مرکزی" را افشاء کنیم این نیست که چرا به "راه رشد غیر سرمایه داری" اعتقاد دارد و یا حاکمیت را ملی و مترقی میدانند. بحث ما بر سر این است که چرا اعتقاد دانش را صریحاً اعلام نمی کند و یا عوام فریبی می خواهد "شریک درد و رفیق فاقه" باشد. چنین امری بویژه از این نظر حائز اهمیت است که امروز نوده های بسیاری از هواداران به اعتبار سازش با پدیری

سازش مورد نظر بعنوان یک تاکتیک در رابطه با کدام استراتژی اتخاذ شده است؟ شاید بعضی ها تصور کنند که چنین تاکتیکی نیز همانند سایر حرکات "کمیته مرکزی" بسد و

استراتژی و بر مبنای "این واقعیت است واقعاً" اتخاذ شده است، ولی اینبار بگونه ای دیگر است. امروز "کمیته مرکزی" با استغناء از شایان توجه از تحولات سیاسی - شعوریک چند ده ساله حزب توده، و سیر زمینه گرایشات طبقاتی خویش، هدف مشخصی را دنبال می کند. آنتهائیز همانند حزب توده، انقلاب ایران را پیروز شده و بعبارتی "دمکراتیک ملی" ارزیابی میکنند. بنابراین از نظر "کمیته مرکزی" چنین مذاکراتی نه تنها تاکتیکی نیست، بلکه این مذاکرات (با کمال خلوص نیست)

می کنند، پس مذاکره با آنان از هر موضع و بهر منظره ای که باشد خطا است! نه رفقا چنین نیست اتفاقاً "ما برای جلوگیری از اینجا چنین سوء تفاهمی در آنجا که بموضع و مسائل

مورد مذاکره اشاره می کنیم در داخل پراسترتو ضیح داده ایم: " (یعنی چیزی که بدون سازش کامل با بورژوازی و ترک مواضع انقلابی، تحقق پذیری نیست)".

بنابراین طبیعی است که ما با هرگونه مذاکره ای مخالف نیستیم منتهی برای ما این اهمیت اساسی دارد که مذاکره با چه هدفی صورت گرفته است، بعبارتی روشنتر: سازش از نظر ما همواره مردود شمرده نمی شود. منتهی چون سازش برای مارکسیست - لنینیستها همواره جنبه موقتی دارد، بنابراین باید دید که مذاکره یا

بدنیال انتشار "کار" ویژه مسائل خادوم سیرم جسیس و طرح مسائل مورد اختلاف ما با "کمیته مرکزی" بدلیل نا کافسی بودن توضیحات ما برای برخی از رفقا و حواسدگان سوالاتی طرح شده که ما هم برای پاسخگویی به چنین سوالاتی و هم برای دامن زدن هر چه بیشتر به مبارزه ایدئولوژیک علنی اختصاص دادن سویی را بدین امر مسروری دیدیم.

موردی که بیشتر از هر چیز برای خوانندگان سوال و کنجکاوی ایجاد کرده است، موضوع مذاکرات "کمیته مرکزی" با عناصری از هیئت حاکمه است که ما آنرا در سبانه مورخ ۲۲ خرده ماه عنوان کردیم.

اولاً "خلی ها خواسته اند که متن مذاکرات را در اختیار عموم بگذاریم و برخی ها تصور کرده اند که ما با هرگونه مذاکره ای مخالفیم و صرفاً اینکه بهشتی یا بنی سدر از مهره های مهم هیئت حاکمه هستند و اساساً "سیاستهای بورژوازی را تعقیب

سرکوبگران خلق کرد دشمن همه خلقهای ایران هستند



الف. قبل از قیام

فشار اقتصادی ناشی از عمق یابی بحران شدت یافتن تضادهای درون حاکمیت و در نتیجه کاهش توان سرکوب آن، او حکمیری حرکات و اعتراضات افشار خرده بورژوازی و بالخصوص خرده بورژوازی سنتی باعث او حکمیری مبارزات کارگران شد. در ابتدا عمده حرکات و اعتراضات کارگران بسبب خواستههای اقتصادی و تامین شرایط بهتر کار و زندگی بود. بعلاوه کارگران بمثابه جزئی از خلق و بعبارت دیگر بصورت توده ای غیر مشکل و فاقد هویت طبقاتی در مبارزات قهرمانانه شهروندان علیه رژیم شاه مبارزه میکردند و جان می باختند. در پی کشتار وحشیانه ۱۷ شهریور مبارزات کارگران بلاخص در واحدهای بزرگ صنعتی (پرولتاریای صنعتی) وارد مرحله نویی شد. علاوه بر گسترش مبارزات اقتصادی (حتی در واحدهای عقب مانده تروپری) خواستههای مرتباً "زوبه افزایش"، خواستههای سیاسی در مبارزات کارگران برجستگی خاصی یافت.

انحلال ساواک، بازگشت خمینی، برقراری جمهوری با او حکمیری مبارزات خلق حول شعار وحدت دهنده، "مرگ بر شاه" و تثبیت رهبری آیت الله خمینی برجایش، کارگران نیز با شکل مختلف که عمدتاً توسط رهبری انقلاب توصیه میشد، جهت تحقق این شعار مبارزه میکردند. درین مقطع با قاطعیت می توان گفت که جنبش طبقه کارگر هویت مستقل

پیشرو برای شرکت ویا اعلام همبستگی با کارگران اعتصابی واحدهای دیگر بوده ایم. از طرف دیگر پیشروترین کارگران ایران (نفگران) با سازماندهی خود در "سندیکا"ی مشترک کارکنان صنعت نفت" برای رهبری اعتصاب و صدور اولین اعلامیه درسیزدهم دیماه ۵۷ در مورد اعتصاب خود موجودیت شکنی توده یی با اهدافی نسبتاً روشن

یاد راه آهن، با نظر دستور کمیته اعتصاب، کارگران و کارکنان از حمل و نقلهای تسلیحاتی دولت جلوگیری میکردند آذوقه و نفت مورد نیاز مردم را علیرغم کار شکنی های دولت با فداکاری وجدیت تمام حمل میکردند. قطارها را برای فلج کردن قدرت تحرک دولت میخواستند، برخی از مدیران را اخراج می کردند و اداره امور را

دادند که از در هم شکستن ماشین حکومتی نه تنها بیعی ندارند بلکه اقاطبانه خواهان آن هستند، در حالیکه نمایندگان خرده بورژوازی بواسطه تردید و ترسشان در حساس ترین شرایط، نه تنها جسارت انقلابی لازم را برای تداوم و گسترش این مبارزه از خود نشان ندادند، بلکه محافظه کارانه تلاش کردند تا شور انقلابی توده ها را مهار کنند. ولی قاطعیت انقلابی توده های قیام کنند، مانع بزرگی در راه تحویل آرام قدرت از دستی بدست دیگر شد. این مبارزه بنمایندگان مردم خرده بورژوازی سنتی و دیگر نمایندگان بورژوازی وابسته اجازه تحویل گرفتن دولت از بالا را نداد و این نشانه قدرت و قاطعیت کارگران و زحمتکشان بود. ولی این قدرت و قاطعیت غریزی فاقد هویت طبقاتی و سیاست مستقل بود و بهمین دلیل نیز نتوانست مهر خود را بر قیام بزند. از سوی دیگر اکثر واحدهای تولیدی در جریان قیام بعلل مختلف از جمله فرار سرمایه داران کمبود یا نداشتن مواد اولیه، بستن کارخانه توسط سرمایه داران برای اولیه، بستن کارخانه در هفتم بهمن ماه به تبعیت از پیام خمینی کارگران بواحدهای تولیدی خود بازگشتند تا کارخانه ها را بسراه اندازند و چرخ تولید را حرکت در آورند. موج بازگشت کارگران بکارخانه ها به همراه خود شور حاصل از پیروزی و شور حاصل از قیام و وقوف به نیرو و توان عظیم خلق را وارد کارخانه ها کرد. ادامه دارد

بررسی مختصر جنبش کارگری در دو سال گذشته (۲)

شکل گیری نخستین نطفه های جنبش مستقل کارگری

داشتن ویژگیها و جنبش دموکراتیک و بلاخص خرده بورژوازی بدل شده بود. تنها گامی آنهم بصورت جزقه یی نشانه های از استقلال و با فرمانی از فرامین رهبری دیده میشد. پاسخ اولیه منفی نفگران به پیشنهادات بازرگان نماینده امام در مورد تولید نفت، راه پیمائی کارگران تراکتور سازی زکارخانه بطرف شهر با موضع گیری و شعارهای مشخص طبقاتی که توسط پیشروان طبقه کارگر سازمان یافته بود آگاهی کارگران از طبقه خود و صف مستقل خود بشکل نطفه یی اینجا و آن جا بصورت اعلام همبستگی با دیگر کارگران و سهم دانستن خود در مبارزات آنان بروز می کرد بخصوص هر چه به روزهای آخر حکومت شاه نزدیک می شدیم، شرکت کارگران در مبارزات دیگر واحدها و با قرائت اعلام همبستگی در اجتماعات کارگران مبارز دیگر واحدها بیشتر و بیشتر می شود. حتی در این زمان شاهد مسافرت های طولانی کارگران

را اعلام کردند و اولین جزقه های حرکت سیاسی متشکل و آگاهانه کارگران را بنمایش گذاشتند: "چرا اعتصاب کرده ایم؟ واقعیت ایست که همه مردم ایران، یکپارچه برای دست یافتن بدو هدف قیام کرده اند: درهم شکستن استبداد داخلی و آزاد ساختن وطن از زنجیرهای استعماری گانه". تشکیلات کارگری که عمدتاً "بصورت سندیکا های فرمایشی و زرد و" ش ساخته بود روز بروز رنگ باخته تر میشد و در بسیاری از واحدها از هم می پاشید. بتدریج و در پاسخ به ضروریات مبارزه و تداوم و ارتقای آن، نطفه های شکل های مناسب این شرایط شکل می گرفت کمیته های اعتصاب از جمله این تشکلهای بود که در واحدهای تولیدی بزرگ و سرتاسری صنعتی بوجود آمد (نفت، راه آهن، ماشین سازی اراک، تبریز، تراکتور سازی تبریز، ماشین سازی پارس (اراک)). این کمیته ها در ارتباط با دیگر بخش ها بد

(شوراها) را می یابند بدین ترتیب نخستین شوراها پدید آمدند که زائیده اعتصابات عمده و محصول تکامل مبارزات توده ای و نفی مناسبات پوسیده، حاکم و برقراری شکل نوین اعمال حاکمیت بودند (در پالیسی گاه آبادان از ۲۲ مهر ماه، در صنعت نفت اهواز از ۳۰ مهر ماه در راه آهن از ۲۰ دیماه). بدین معنا که علاوه بر وظیفه سازماندهی و هماهنگی اعتصابات (مثلاً نفت) همچون قدرتی خود مختار با وزیرا وارد مذاکره و تصمیم گیری میشدند (مذاکره با انصاری مدیر عامل نفت رژیم شاه) و بدون توجه به تهدیدات دولت میزان تولید نفت را کاهش دادند و بعد کلی قطع کردند، جلوی صدور نفت را گرفتند، با جمعیت حقوقدانان، نمایندگان جمعیت های خارجی بطور رسمی مذاکره کردند برخی از روسای دولتی را اخراج کردند و خلاصه بدون دستور کمیته اعتصاب کمتر اقدام منفی ویا سیاسی در صنعت نفت امکان پذیر بود.

بدرستی می گرفتند. بطور کلی وضعیت تشکلهای موجود (با توجه باینکه سطح تشکلات کارگران بسیار پائین بود) بدین صورت بود که عموماً "سندیکا های زردی" که وجود داشت، پیرو ستلاشی و از هم پاشیدگی را می پیمود. درین دوره در واحدهای کوچک تولیدی اصناف: خیاطها، بکاشها، بافنده ها، فلزکاران و غیره) پیرو ستلاشی زردی و یا غیر فعال بتدریج طی میشد. ۲- از قیام تا دوره سرکوب وحشیانه جنبش خلق گردونها جمباز ادبها و حقوق دموکراتیک شور مبارزاتی و شعور حاصل از شرکت در قیام کارگران را متشکل میکند در روزهای قیام کارگران نه بعنوان یک نیروی مستقل، بلکه بصورت انبوهی عظیم از توده های انقلابی فاقد شکل و آگاهی طبقاتی، قاطعانه تروپیکیرانه تر از همه! اثثار و طبقات بعرضه مبارزات خیابانی پا گذاشتند. درین روزها کارگران بهمراه دیگر زحمتکشان بخوبی نشان

بدرستی می گرفتند. بطور کلی وضعیت تشکلهای موجود (با توجه باینکه سطح تشکلات کارگران بسیار پائین بود) بدین صورت بود که عموماً "سندیکا های زردی" که وجود داشت، پیرو ستلاشی و از هم پاشیدگی را می پیمود. درین دوره در واحدهای کوچک تولیدی اصناف: خیاطها، بکاشها، بافنده ها، فلزکاران و غیره) پیرو ستلاشی زردی و یا غیر فعال بتدریج طی میشد. ۲- از قیام تا دوره سرکوب وحشیانه جنبش خلق گردونها جمباز ادبها و حقوق دموکراتیک شور مبارزاتی و شعور حاصل از شرکت در قیام کارگران را متشکل میکند در روزهای قیام کارگران نه بعنوان یک نیروی مستقل، بلکه بصورت انبوهی عظیم از توده های انقلابی فاقد شکل و آگاهی طبقاتی، قاطعانه تروپیکیرانه تر از همه! اثثار و طبقات بعرضه مبارزات خیابانی پا گذاشتند. درین روزها کارگران بهمراه دیگر زحمتکشان بخوبی نشان

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است

